

بررسی تاثیر اقدامات ضابطین دادگستری بر حقوق شهروندی باتبیین مسؤلیتهای مدنی ناشی از کوتاهی در انجام وظایف (طبق قوانین جدید)

یوسف اسماعیل زاده (دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد واحد تبریز)
دکتر ابراهیم تقی زاده (دکترای حقوق خصوصی و دانشیار و مدیر گروه حقوق خصوصی مقاطع دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد واحد تبریز)

چکیده:

اقدامات و انجام ضابطین دادگستری اعم از ضابطین دادگستری در بستر فرهنگ عمومی و رایج و در ارتباط با سایر هنجارها و نهادهای اجتماعی ما صورت می پذیرد که این فرهنگ عمومی که روح نهادهای اجتماعی را نیز شکل می دهند خود در ارتباط تنگاتنگ با روح و فضای فرهنگ جهانی در هر دوره تاریخی است، اقدامات ضابطین در صورت اشتباه بودن آنها قابل پذیرش نبوده و اجرای افعال زیانبار آنان موجب تضییع حقوق شهروندان می گردد.

فی الحال در دنیا و به تبع آن در ایران شهروندان از ضابطین انتظار دارند که در مراحل مختلف انجام وظایف خود اعم از اجرای دستورات و احکام قضائی، حفظ حقوق شهروندی، پیشگیری از وقوع جرائم و سایر وظایف حداکثر دقت را معمول داشته و در صورتی که ضابطین جهت اجرای مهمترین وظیفه خود که همانا اجرای عدالت و حفظ نظم و امنیت است موجب بروز خساراتی به دیگران شوند با تحقق شرایطی عهده دار مسؤلیت مدنی خواهند بود. حوادث زیانباری که ضابطین در آن مداخله دارند یا از طریق فعل توأم با تقصیر مانند اخذ اقرار با شکنجه مسؤلیت مدنی ضابطین محرز بوده و شکی در آن نیست ولی در صورت وقوع فعل بدون تقصیر آنان مثل حمل متهم با خودروی معیوب و آسیب دیدن او، اگر فعل او به صورت مستقیم باعث ورود ضرر شود سازمان مربوطه عهده دار خسارت وارده خواهد بود ولی اگر اقدام او به صورت غیرمستقیم باعث خسارت شود به دلیل اینکه مبنای مسؤلیت در این مورد قاعده تسبیب است و شرط لازم در این قاعده تقصیر می باشد پس مسؤلیتی به وی تحقق نخواهد یافت. در خصوص ترک فعل ضابطین نیز اگر بر مبنای شغل خود باعث ورود خسارت گردند بر مبنای قاعده فوق و تقصیر آنان عهده دار جبران خسارت خواهند بود. در ضمن بایستی مدنظر داشت که براساس نوع خسارت وارده و شرایط زمانی و مکانی بایستی حکم متناسب در خصوص مسؤلیت یا عدم آن به ضابطین صادر نمود که بررسی موارد فعل و ترک فعل ضابطین، این مهم را استنباط خواهد نمود. در خصوص مسؤلیت مدنی ضابطین باید گفت که مبنای چنین مسؤلیتی علی القاعده بر نظریه تقصیر استوار بوده و معیار تقصیر نیز داوری رفتار متعارف یک ضابط حرفه ای می باشد. در قوانین جدید اعم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آئین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ وظایف ضابطین دادگستری افزایش یافته و رعایت حقوق شهروندی در اولویت کاری آنها قرار داشته و به عدم اجرای به موقع حقوق شهروندی متهم نیز ضمانت های اجرایی شامل حبس و غیره را در نظر گرفته است.

کلید واژه ها: حقوق شهروندی / مسؤلیت مدنی / ضابطین دادگستری / تقصیر / فعل / ترک فعل

مقدمه:

در متون دینی و فقهی بر رعایت حقوق شهروندی تاکید شده و این مهم در اسناد و قوانین و مقررات بین المللی نیز دیده می شود. علاوه بر قانون شهروندی، قانون اساسی نیز به عنوان بالاترین منبع قانونی در اصول متعددی به رعایت حقوق شهروندی تاکید دارد. از میان اقدامات دولت در حفظ حقوق شهروندی ضابطن دادگستری بیشتری تاثیر راد رعایت حقوق شهروندی ایفای نمایند.

ضابطین دادگستری به جهت سطح ارتباط با جامعه و مردم دارای اختیارات خاصی می گردند که بی توجهی به این امر و سوءاستفاده یا خروج از محدوده وظایف توسط آنان موجب گسترش بی عدالتی، عدم اعتماد به ضابطین و در نهایت هرج و مرج و تضییع حقوق شهروندی خواهد شد. تنوع وظایف و تحول شرایط باعث می گردد که گاهی دقت فدای سایر موارد مانند سرعت عمل گردیده و در این راستا حوادث زیانباری نیز ایجاد شود. محاکم بایستی تلاش نمایند تا توازن میان حقوق شهروندان از یک سو و منافع دولت از سوی دیگر ایجاد نمایند و عدالت را جاری سازند. در مقام مقایسه، خسارت وارده از سوی ضابطین دادگستری، شهروندان را بیشتر تحت تأثیر قرار می دهد و ممکن است که اطمینان و اعتماد جامعه به تمامی ضابطین و حتی واژه مقدس عدالت دچار تزلزل گردد. پس ضروریست که حدود و ثغور مسئولیت مدنی آنها و شرایط جبران خساراتی که از سوی آنان به وقوع می پیوندد روشن شود. بررسی این موضوع ضرورت پیدا می کند که بنا به موقعیت شغلی و وظایف قانونی که ضابطین بر عهده دارند تبیین شود که قواعد عام مسئولیت مدنی در خسارت وارده توسط آنها حکومت می کند یا آنکه قواعد ویژه نیز در این مورد لازم و ضروری است و اگر مقررات ویژه ای برای مسئولیت مدنی ضابطین حاکم شود آیا این قواعد بایستی در جهت تشدید مسئولیت او تنظیم شود یا تخفیف چنین مسئولیتی؟

گاهی مسئولیت ضابطین عرفاً منتسب به سازمان او باشد نه خود ضابط، در این مورد نیز امکان مسئولیت تضامنی آنها مورد بررسی قرار گرفته است. در قانون مجازات اسلامی و جرائم نیروهای مسلح عمده‌تاً به مسئولیت مدنی ضابط در قبال سازمان متبوع اشاره ولی به مهمترین امر که همانا مسئولیت مدنی ضابطین در قبال شهروندان می باشد، اشاره کاملی نشده است. با توجه به تعریفی که از مسئولیت مدنی شده است، مسئولیت در مقام خسارتی که شخص یا اشیاء تحت حراست وی به دیگری وارد می کند و هم چنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد است. وظیفه حکومت اسلامی به ویژه ضابطین به عنوان محتسب این حکومت و مجری قانون و عدالت و حافظ حقوق شهروندان (اعم از حقوق مادی و معنوی) به ویژه امنیت جامعه و افراد به مراتب سنگینتر خواهد بود. شناخت ضابطین از حقوق و کرامات انسانی افراد و جامعه، راه را برای خدمت هرچه بیشتر و بهتر، هموار می سازد و مسوولین این نهاد را در تنبیه و تشویق افراد تحت امر خود در این باره و نیز ایجاد بستر در زمینه ی مطلوب تر و تصمیم گیری صحیح تر یاری مینماید. نباید فراموش کرد که شهروند صرفاً افراد نیستند، حکومت بر مردم حقوقی دارد مردم هم بر حکومت؛ بر یکدیگر حقوقی دارند که در کنار حقوق فردی انسانهایی که آزاد آفریده شده اند و مسیر هدایت شان به سوی اعلا درجه یعنی اشرف مخلوقات می باشد بایستی حفظ شود.

گفتار اول) مفاهیم و اصطلاحات، کلیات:**بیان مساله:**

ضابطان دادگستری در راستای انجام وظایف خود گاهی اوقات موجب بروز حوادث شده که گاه ناشی از فعل همراه با تقصیر یا انجام دادن فاعل بدون تقصیر و یا ترک فعل تحقق و موجب تضییع حقوق شهروندی می گردد.

فعل یا ترک فعل که موجب مسئولیت مدنی می شود، ممکن است به صورت مستقیم و بلا واسطه موجب خسارت شود یا با واسطه موجب خسارت گردد پرونده های متعددی در خصوص مسئولیت مدنی ضابطان در محاکم تشکیل ولی برای تعیین مسئولیت مدنی آنها روش واحد و مشخص حاکم نیست و یا بعضی احکام دادگاه ها بدون توجه به مبانی و قواعد مسئولیت

مدنی در این مورد صادر می شود که لازم است مسئولیت مدنی ضابطان بر اساس قواعد موجود تبیین شود. مشخص شدن شرایط مسئولیت مدنی ضابطان دادگستری علاوه بر دقت و مراقبت بیشتر آنها در اجرای مأموریت به نوعی نیز موجب اصلاح رفتارشان می گردد مضافاً باعث آشنایی زیاندیدگان از این حوادث نسبت به موارد مسئولیت و عدم مسئولیت ضابطین هم خواهد گردید. علاوه بر تأثیر در اصلاح رفتار زیاندیدگان از این حوادث امکان احقاق حق نامبرده گان را نیز فراهم می سازد و دادگاهها نیز با توجه به مبانی و قواعد مسئولیت مدنی آراء لازم را صادر خواهند کرد و قانونگذار نیز خلاءهای قانونی در خصوص مسئولیت مدنی آنها را بر طرف خواهد نمود.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

باتوجه به اصلاحاتی که در قوانین مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری در سالهای ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ (به همراه اصلاحات بعدی) به عمل آمده و چنین به نظر می رسد که پایه این قوانین بر بستر قانون شهروندی طرحریزی شده است، طبق قانون تکالیف و وظایف جدیدی به کارکنان ضابط اعطاء شده و در ضمن برای عدم اجرای آنها ضمانت اجرائی نیز بر اساس قانون مجازات مقرر شده است، لازم است که ضابطین حدود و وظایف و مسئولیتهای ناشی از کوتاهی و سستی در انجام آنها و... را واقف بوده و با حساسیت ویژه نسبت به وظایف خود اقدام نمایند.

اهداف اصلی:

- ۱- حفظ حقوق شهروندی باتبیین حدود و وظایف ضابطین دادگستری بر اساس قوانین جدید
- ۲- حفظ حقوق شهروندی باتشریح مسئولیتهای ضابطین دادگستری در صورت فعل غیر مجاز یا ترک فعل

اهداف فرعی:

- ۱- حفظ حقوق شهروندی بر اساس آشنائی ضابطین به فعل زیانبار و ترک فعل غیر مجاز
- ۲- حفظ حقوق شهروندی ضابطین دادگستری در صورت فعل زیانبار یا ترک فعل (موارد معافیت از مسئولیت)

سؤالاتی تحقیق:

- ۱- آیا ضابطان دادگستری در کشور جمهوری اسلامی ایران در صورت نقض حقوق شهروندی و داشتن تقصیر مسئولیت مدنی دارند؟
- ۴- آیا ضابطان دادگستری در صورت نقض حقوق شهروندی و انجام فعل مبتنی بر تقصیر مسئولیت مدنی دارند؟
- ۵- آیا ضابطان دادگستری در صورت نقض حقوق شهروندی و داشتن ترک فعل مبتنی بر تقصیر مسئولیت مدنی دارند؟
- ۶- ضابطان دادگستری در کدام موارد از مسئولیت مدنی معاف خواهند شد و شامل نقض حقوق شهروندی نمی شوند؟

روش تحقیق:

این تحقیق به صورت کتابخانه ای انجام شده است.

بند اول) مفاهیم و اصطلاحات:

الف) معنای لغوی و اصطلاحی ضابطین دادگستری :

ضابط در لغت به معنای ((فراهم آورنده، نگاهدارنده چیزی، آنکه ضبط مدینه و سیاست آن را از طریق سلطان)) آورده شده است ((دهخدا، 1337، ص2)) دادگستری نیز در لغت به معنای ((وزارتخانه یا اداره که به امور خصوصی رسیدگی می کنند، سابقاً عدلیه می گفتند)) بیان شده است (همان منبع، ص107).

قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری را این طور تعریف کرده است: ((ضابطین دادگستری مأمورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضائی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می نمایند ماده 28 قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب 1392/12/4)

ب) ضابطین عام و خاص دادگستری:

1) ضابطین عام: به کسانی که در مورد کلیه جرائم، صلاحیت اقدام دارند و وظایف و اختیارات آنها محدود به جرائمی معین یا شرایط خاصی نیست تعریف شده است (خالقی، 88، ص48). با توجه به بند 8 ماده 4 قانون تشکیل ناجا مصوب 69/4/27 وظایفی به عنوان ضابط قوه قضائیه بر عهده نیروی انتظامی گذاشته شده که این نیرو را موظف به همکاری با قوه قضائیه و اجرای دستورات مقام قضایی در زمینه کشف جرم، جلوگیری از فرار افراد مجرم، دستگیری مجرم، ابلاغ و اجرای احکام قضایی بشرح ذیل نموده است: 1. مبارزه با مواد مخدر - 2. مبارزه با قاچاق - 3. مبارزه با منکرات و فساد - 4. پیشگیری از وقوع جرائم - 5. کشف جرائم - 6. بارزسی و تحقیق - 7. حفظ آثار و دلایل جرم - 8. دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها - 9. اجرا و ابلاغ احکام قضائی.

2) ضابطین خاص: ضابطینی هستند که صلاحیت دخالت آنها محدود به جرائم خاص یا شرایطی معین است و در غیر از آن جرائم یا بدون تحقق آن شرایط، حق مداخله و اقدام ندارند. حال این سوال در ذهن متبادر می گردد که آیا ضابط شناخته شدن این افراد در زمینه خاص، صلاحیت دخالت و اقدام ضابطین عام در این حوزه را نفی یا محدود می کند؟ در پاسخ باید گفت که ضابطین عام در همه حال ضابط دادگستری محسوب و ضابطین خاص، اقدام ضابطین عام را محدود و یا نفی نمی کنند (خالقی، 88، ص49).

ب) مفهوم مسئولیت مدنی :

اصطلاح مسئولیت مدنی در زبان حقوق کنونی، بیانگر ((مجموع قواعدی است که وارد کننده زیان را به جبران خسارت زیان دیده ملزم می سازد، از دیدگاه دیگر در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگر می باشد، می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد. مسئولیت لازمه داشتن اختیار است. انسان آزاد و عاقل از پیامد کارهای خویش آگاه و مسئول آن است. به همین دلیل نیچه (حکیم آلمانی) از مسئولیت به عنوان امتیاز زیاد کرده و تعدادی از نویسندگان فرانسوی غیرمسئول را ظالمانه و انسان بی مسئولیت را عامل آشفستگی دانسته لذا مسئولیت شخص نسبت به جبران خسارت ناشی از اعمال خود قاعده ای طبیعی و موافق قاعده است (کاتوزیان، 1387، ص34).

مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است، مسئولیت مدنی زمانی به وجود می آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زیانی به او وارد آورد. فرق نمی کند عملی که موجب خسارت شده جرم باشد یا شبه جرم، زیرا مسئولیت مدنی نتیجه عمل بدون مجوز قانونی است، خواه آن عمل عمدی (جرم مدنی) یا غیرعمدی (شبه جرم) باشد. بنابراین جرم و شبه جرم دو عمل بدون مجوز قانونی می باشند که موجب زیان می شوند (امامی، 1389، ص675).

با توجه به تعاریف فوق به نظر می رسد که مسئولیت مدنی برای حمایت از اشخاص در امنیت مالی، بدنی، شهرت بکارمی رود در هر مورد که ضابط دادگستری ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

پ) حقوق شهروندی

۲- مفهوم و پیشینه تاریخی شهروندی

و ریشه آن، واژه لاتینی سیویتاس (Citizen) ترجمه فارسی «شهروند» در زبان (Polis) است. این کلمه در زبان لاتینی معادل کلمه پلیس (Civitas) یونانی به معنای شهر است. اما شهروند در دائرة المعارف انگلیسی شخصی که بصورت قانونی مقیم یک شهر، دولت یا کشور شناخته می شود. شهروند در فرهنگ حقوقی لاتین به عنوان شخصی که در مقابل دولت متعهد بوده و از سوی آن حمایت او برخوردار است، تعریف گردیده است.

این لفظ در ادبیات حقوقی ما سابقه چندانی ندارد. در فرهنگ های عموم ی مثل فرهنگ معین یا فرهنگ عمید یا امثال آنها، کلمه شهروند تعریف نشده است. فقط در فرهنگ های دو زبانه حییم و آریان پور کلمه به معنی بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت و شهرنشینی «Citizen» شهروند که از خدمت لشکر ی و شهربا ی آزاد باشد تعریف شده است. دکتر محمد جعفر لنگرودی در ترمینولوژی حقوق، ذکری از آن به میان نیاورده ظاهراً اول این فرهنگ «فرهنگ فارسی به فارس یک کلمه شهروند را در خود جای داده است کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار شود.

از ملاحظه تعریف های گوناگون در خصوص شهروند دو معنای کلی استنباط می شود. نخست شهروند به معنای بشر و نوع انسان که مصادیق آن شامل تمامی انسان ها است از هر جنس و نژاد و رنگ و کشور و دین و مذهب و ... و دیگر شهروند به معنای انسان های ساکن و مقیم در ی ک کشور، اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت - کشور و تحت قدرت آن دولت - کشور هستند.

مفهوم شهروندی که به همراه دموکراسی دولت شهرها ی یونان پدید آمد، مشتق از مفهوم یونانی - رومی خودگردانی اداره امور اجتماع س یاسی به دست خویش است.

شهروندی، به معنای باستانی کلمه، بر مفهوم برابر ی حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت س یاسی فعال دلالت داشت. شهروند بودن یعنی توانایی حکومت کردن و حکومت شدن (پناهی، ۸۲، ص ۵۹).

طبق مواد ۱۰۰ و ۱۱۹ قانون برنامه توسعه چهارم اقتصادی واجتماعی و ماده ۳ قانون ناجا هدف تشکیل ناجا را برقراری نظم و امنیت و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی، تامین آسایش و امنیت عمومی و فردی معرفی لذا ما در این بحث سعی به تشریح آنها خواهیم پرداخت.

بند دوم) قلمرو مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری :

اکثر حقوقدانان مسئولیت مدنی را به دو شعبه مهم تقسیم کرده اند: الف) قراردادی، ب) خارج از قرارداد (قهری)

الف) مسئولیت قراردادی ضابطین دادگستری:

در نتیجه اجرا نکردن تعهدی است که از عقد ضابطین ناشی شده است به وجود می آید. به عهد خود وفا نمی کنند و بدین سبب باعث اضرار دیگران می شوند، باید از عهده خسارتی که به بار آورده برآیند. ضمانتی که ضابطین در این باره پیدا می کند به لحاظ ریشه تعهد اصلی، "مسئولیت قراردادی" نامیده می شود. به بیان دیگر، مسئولیت قراردادی ضابطین عبارت از

تعهدی است که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی برای اشخاص ایجاد و این امر موجب تضییع حقوق شهروندی می شود (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸، ص ۱۳ الی ۱۴).

(ب) مسئولیت قهری ضابطین دادگستری :

در زندگی اجتماعی، ضابطین غیر از تعهدات قراردادی، وظایف و الزامات دیگری نسبت نیز دارند که این تعهدات و الزامات به رفتارهای اجتماعی افراد نظم می بخشد. این الزامات ریشه در اداره انشایی شهروندان نداشته بلکه از طرف قانون گذار بر آنها تحمیل شده است که می توان به تکالیف و الزامات (devoir) تعبیر نمود (یزدانیان، ۱۳۸۷، ص ۴۹).

اگر ضابطین با دیگری قراردادی نداشته و به خطا، به دیگری زیان زنند، مسئولیت را غیر قراردادی یا خارج از قرارداد می نامند ((ریشه این مسئولیت پیمان بین او و زیان دیده نیست، تخلف از تکالیف قانونی است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۶۴).

اگر خسارت در نتیجه تقصیر کارمند و دولت ایجاد شده باشد، برای جبران خسارت دومی مسئول وجود دارد و زیان دیده باید برای جبران خسارت خود به کارمند و دولت رجوع کند، مسئولیت بر طبق قواعد عمومی تقسیم و تضامنی نیست (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۶۰).

در صورتی که ضابطین به مسئولیت قهری خود عمل نمایند این اقدام نیز باعث نقض حقوق شهروندی خواهد شد.

بند سوم) مبانی و منابع مسئولیت ضابطین دادگستری :

الف- مبانی مسئولیت ضابطین دادگستری:

۱- نظر به تقصیر: حقوقدانان تعاریف گوناگونی از تقصیر ارائه کرده اند؛ برخی آن را تجاوز از تعهد پیشین دانسته اند. تجاوز از رفتار شخص محتاط و آگاه یا رفتار انسان متعارف، تجاوز از تکلیف قابل شناسایی و مراعات، تجاوز از رفتاری که رعایت آن برای حمایت از دیگران لازم است، تجاوز قابل انتساب به مرتکب از رفتاریک انسان آگاه و کار نامشروع زیان بار شخص داری اراده در زمره تعریفهای مشهور قرار دارند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵) ماده ۳۲۸ قانون مدنی بیان می دارد: هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت، آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقض قیمت آن مال است سوالی که مطرح می شود این است که آیا قانون مسئولیت مدنی که جدیدتر است قانون مدنی را که قدیمی تر است نسخ می کند؟ به نظر برخی حقوقدانان به دلایل زیر مقررات اتلاف در قانون مدنی نسخ نشده است:

الف- قانون مدنی ناظر به تلف مستقیم بوده و قانون خاص است ولی قانون مسئولیت مدنی ناظر به تلف غیرمستقیم و با واسطه مال و نیز لطمه به جان و لذا قانون عام می باشد. قانون عام موخر (قانون مسئولیت مدنی) نمی تواند نسخ قانون خاص (قانون مدنی) مقدم باشد

ب- مصلحت اجتماعی اقتضا دارد کسی که خساراتی به دیگران وارد می کند حتی در صورت عدم وجود تقصیر، مسئول شناخته شوند. قانونگذار نیز مصالح اجتماعی را در بسیاری از قوانین ملحوظ نموده است. تبصره ۲ ماده ۱ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسائل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷، دارندگان این نوع وسایل را نسبت به خسارات وارده به اشخاص ثالث در هر حال مسئول می شناسد (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸، ص ۲۸ الی ۲۹)

لیکن باتوجه به مطالب فوق به نظرمی رسد که فعل یا ترک فعل ضابطین به صورت غیرمستقیم موجب اتلاف شود طبق قانون مسئولیت مدنی و اگر به صورت مستقیم موجب ضرر شود قانون مدنی حکمفرما خواهد شد.

۲- نظریه ایجاد خطر (مسئولیت بدون تقصیر): نظریه ایجاد خطر به مفهوم تازه خود، از پدیده های فکری قرن بیستم و نتیجه انقلاب صنعتی و نظریه های فلسفی است که از اواخر سده نوزدهم آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد. ماده اصلی این فکر از مکتب تحقیقی ایتالیا و نظریه فردی درباره مسئولیت کیفری سرچشمه می گیرد. چنین به نظر می رسد که در مسئولیت ضابطین و مخصوصاً ماموریت‌های پرحادثه و خطرناک می توان به این نوع نظریه استناد نمود ایرادها و انتقادهای وارده بر نظریه خطر موجب گردید که طرفداران خطر معیارها و ضوابط جدیدی را برای آن در نظر بگیرند و با توجیحات و موضع گیری های گوناگون به چندگروه تقسیم شدند که نظریه هایی همانند: ۱- نظریه خطر در برابر انتفاع مادی، ۲- نظریه خطرهای ایجاد شده، ۳- نظریه خطر نامتعارف مطرح شده (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶ الی ۳۸).

۳- نظریه تضمین حق: به موجب این نظریه هر کس در جامعه حق دارد سالم و ایمن زندگی کند و از اموال خود سود برد. این حق به وسیله قوانین حمایت شده و ضمانت اجرای این حمایت مسئولیت مدنی متجاوز است. همه وظیفه دارند که به حقوق دیگران احترام گذارند و ایمنی سایرین را به خطر نیندازند همین که حقی از بین برود باید به وسیله تلف کننده آن جبران شود و ما الزام به جبران این خسارت را مسئولیت مدنی می نامیم. به بیان دیگر: "صدمه به حق حمایت شده کافی برای تعیین ضمانت اجرای آن است. این ضمانت اجرائیزی جز الزام به جبران آنچه رخ داده نیست؛ یعنی مسئولیت مدنی کسی که سبب آن شده است" (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۹۷ الی ۱۹۸).

ب- منابع مسئولیت ضابطین دادگستری:

قواعد مسئولیت مدنی در کشورها، آمیزه ای از قواعد اسلامی و قوانین اقتباس گرفته شده از کشورهای غربی می باشد. قانون مدنی ما با اینکه زیربنای آن از فقه گرفته شده است ولی در موارد آن نفوذ حقوق اروپایی آشکار می باشد. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در باب دوم از عقود و معاملات و الزامات که تحت عنوان الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می گردد آورده شده است از ماده ۳۰۱ قانون مدنی تا ماده ۳۳۷ آن قانون به مباحث غصب و اتلاف و تسبیت و استیفاء پرداخته است (مسیحی، ۱۳۸۹، ص ۸۵ الی ۹۴).

تاملی در مواد قانون مذکور نشان می دهد که در هیچ کدام از آنها از الزام عنصر تقصیر برای ایجاد مسئولیت نامی برده نشده است. ولی بر عکس در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، قانونگذار از آن تفریط به افراط گراییده و در تنظیم مواد توجهی به قواعد فقهی نکرده است. به طوری که در ماده اول آن قانون صراحتاً به بی احتیاطی اشاره شده است. و اما در فقه و حقوق اسلام به جبران خسارت زیان‌دیده بیش از مکافات دادن به عامل آن توجه شده است به نحوی که حتی اگر عامل ورود زیان مقصر هم نباشد بایستی ضرر وارده را جبران نماید منتها نکته ای که باید توجه داشت این است که ضرر در صورتی جبران می شود که ناروا و غیرعادلانه باشد. سیر اجمالی در قواعد مسئولیت مدنی نشان می دهد که حقوقدانان اسلامی در همه مسائل از یک اصل پیروی نکرده اند: در تسبیب به طور معمول برای ایجاد ضمان لازم است که شخص کاری ناشایسته انجام داده باشد و گاه دیگر هیچ تقصیری برای تحقق آن ضرورت ندارد. مسئولیت امین منوط به این است که مرتکب تعدی و تفریط شود، ولی رابطه علیت بین تقصیر او و تلف مال ضرورت ندارد.

دست یافتن بر مال دیگری، گاه به دلیل تجاوز عمدی غاصب به حق دیگری، ضمان می آورد و گاه نیز بی آنکه هیچ تقصیری متوجه متصرف باشد، قانون او را مسئول حفظ مال و رد آن به مالک قرار می دهد و رابطه سببیت بین کار تلف را نیز ندیده می گیرد. این اختلافها نشان می دهد که زمینه مسئولیت مدنی، فقها به اجرای عدالت واقعی و رعایت انصاف بیش از احترام به اصل و منطق توجه داشته اند. آنان دریافته اند که روابط انسانها چنان تنوع دارد که محال است همه مظاهر آن را در سایه یک اصل قرار داد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶).

قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در کتاب چهارم، از مواد ۴۴۸ به بعد (در باب دیات) تا حدودی موجبات ضمان را مطرح می سازد در بررسی مواد آن قانون مسئولیت ناشی از خطاء محض، تقصیر آمده است. در قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری و قانون تامین اجتماعی نیز به مسئولیت محض تاکید شده است ولی در قانون بیمه اجباری رد پایی از تئوری تقصیر در مورد راننده به چشم می خورد. در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، که احکام خاصی را در ارتباط

با مسئولیت مدنی ضابطین عام در قبال خسارات وارده به سازمان مربوطه، مقرر نموده است، معلوم نیست که منظور تقصیر شغلی و حرفه ای است یا آنکه معیار شناسایی، داوری عرف است. در برخی از مواد قانون مصوب از جمله مواد ۲۴،۶۵،۷۲،۷۴، که به لزوم جبران خسارت که توسط آنان اشاره نموده است به طور ضمنی حاکی است که شرط تحقق مسئولیت مدنی، تقصیر ضابطین است اما اینکه معیار داوری رفتار متعارف یک ضابطین است یا رفتار یک شهروند عادی مبنای احراز تقصیر است، حکمی بیان نشده است. با در نظر گرفتن اینکه ضابطین در اعمال و اقدامات خود تابع ضوابط خاص شغلی بوده و ملزم است که مقررات ویژه حرفه خود را رعایت نماید می توان گفت مبنای احراز تقصیر ضابطین، رفتار یک ضابط متعارف خواهد بود نه رفتار یک شهروند عادی. این استنباط به طور ضمنی از برخی احکام قانون اخیرالاشاره نیز می شود زیرا در مقررات یاد شده مسئولیت آنها تابع تخلف از مقررات و ضوابط حرفه ای در نظر گرفته شده است. مثلاً در ماده ۴۱ قانون یاد شده آمده است که: هر نظامی که در حین خدمت یا مأموریت برخلاف مقررات و ضوابط عمداً مبادرت به تیراندازی نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می شود و در صورتیکه منجر به قتل یا جرح شود علاوه بر مجازات مذکور حسب مورد به قصاص یادیه محکوم می گردد و چنانچه از مصادیق مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ باشد به مجازات مندرج در مواد مذکور محکوم خواهد شد. همچنین در تبصره ۱ ماده موصوف مقرر شده چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و در تبصره ۲ نیز قید شده که: ((مقررات مربوط به تیراندازی و نحوه پرداخت دیه و خسارت به موجب قانون بکارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ و آیین نامه های مربوط خواهد بود.)) به حکم این ماده، چنانچه ضابطین در تیراندازی، ضوابط و آئین نامه خاص مربوط به تیراندازی را که اختصاص به حرفه و شغل او دارد، رعایت ننماید مسئول بوده و باید دیه مجنی علیه را بپردازد. در ماده ۶۵ قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۰ که موجب قانون سال ۱۳۸۲ منسوخ شده اشاره شده بود: ((هر نظامی که بر اثر بی احتیاطی یا عدم اجرای مقررات مربوط به اسلحه و مهمات ... علاوه بر پرداخت خسارت به حبس از دو ماه تا دو سال محکوم می شود...)) در این ماده نیز به تخلف از مقررات ویژه مربوط به اسلحه و مهمات و سایر اموال نظامی اشاره شده بود و در شناسایی تقصیر، تخلف از مقررات حرفه ای مورد توجه قرار گرفته بود. بنابراین در هر مورد که ضابطین خسارتی به دولت (سازمان متبوع) و یا اشخاص وارد می سازد، تقصیر وی باید بر اساس ضوابط خاص و حرفه ای او مورد سنجش قرار گیرد.

گفتار دوم) ارکان مسئولیت ضابطین دادگستری:

با فرض تکلیف قانونی و قهری می توان ارکان مسئولیت مدنی به معنای خاص را در سه رکن زیر خلاصه نمود.

۱- فعل زیانبار ۲- ضرر قابل مطالبه ۳- رابطه عرفی بین فعل و خسارت (ره پیک، ۱۳۸۸، ص ۴۱ الی ۴۲).

پیروی از هر یک از سه مبنای "تقصیر" و "ایجادخطر" و "تضمین حق" در تلقی عناصر مشترک هم موثراست ((مفهوم نوعی و اجتماعی تقصیر و جداساختن آن از شخصیت و ادار و مرتکب تلاشی است برای جدایی کامل مسئولیت مدنی و کیفری و پلی است میان دو مسئولیت شخصی و نوعی (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۹ الی ۲۴۰).

همین امر در مسئولیت مدنی ضابطین نیز صادق است و به عبارت دیگر برای مسئول شناختن وی، وجود عناصر سه گانه لازم است. در این گفتار ما ارکان مسئولیت مدنی ضابطین را در سه بخش مورد مطالعه قرار داده ایم.

بند اول: فعل زیانبار (فعل شخص، اشیاء، حیوان):

فعل و رفتاری که با ضرر و زیان رابطه مهم و معنا داری دارد، فعل زیانبار می باشد. فعل زیانبار مانند رکن مادی در ارکان مسئولیت عمل می کند. از آنجا که نظریه و مبنای اصلی مسئولیت، تقصیر است، لذا فعل زیانبار ضابطین فعلی است که دارای وصف "نامشروع یا غیر مباح" می باشد، زیرا برای تحقق تقصیر اعم از عمدی و غیر عمدی باید فعل و رفتار منجر به ضرر از درجه ای عدم مشروعیت و غیر مجاز بودن برخوردار باشد و الا از طریق فعل مذکور، مفهوم عرفی تقصیر شکل نمی گیرد.

مقصود از فعل نامشروع یا غیرمباح، لزوماً درجات بالایی اوصاف، مانند جرم نیست، اگر جرم نیز می‌تواند از مصادیق فعل زیانبار باشد بلکه انواع انحراف از ضوابط و معیارهای قانونی یا عرفی که عناوینی چون جرم، تقصیر و تعدی و تفریط را ایجاد می‌کنند، فعل زیانبار تلقی می‌شوند. در قاعده تسبیب و تصرف نامشروع در مال غیر، وجدایی اوصاف لازم است (ره پیک، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

فعل زیان باری که موجب نقض حقوق شهروندی می‌شود برای ضابطین همیشه مسئولیت مدنی ایجاد نمی‌کند. گاهی مواقع آنها، اقدامی مرتکب می‌شود که نتیجه آن اضرار به غیر است بی آنکه مسئولیتی در این خصوص داشته باشد. فردی که در مقام اجرای حق و اعمال اختیارات قانونی یا دفاع مشروع، زبانی وارد می‌سازد همیشه در هر حال، مسئولیت مدنی ندارد. کار زیانبار از نظر اجتماعی، بایستی ناهنجار باشد و از نظر عرف، ورود ضرر غیر قابل تحمل باشد. پس می‌توان اعمال زیان بار به دو بخش عمده تقسیم نمود: نخست اعمالی که مسئولیت مدنی به همراه دارد و دوم آن دسته از اعمال زیانباری که فاعل آن فاقد مسئولیت مدنی است. نکته ای که قبل از آغاز لازم به ذکر است این است که منظور از فعل زیانبار اعم از فعل مثبت و منفی است به عبارت دیگر، ترک فعل زیانبار نبرد رزمره افعال زیانبار است و می‌تواند به عنوان رکن دوم مسئولیت مدنی مورد ارزیابی قرار گیرد. از مفهوم تقصیر نیز می‌توان به این نتیجه دست یافت. اگر تقصیر شامل دو نوع تعدی و تفریط در نظر گرفته شود، می‌توان گفت که تعدی فعل مثبت و تفریط فعل منفی است که در مسئولیت مدنی مصادق می‌یابد. در خصوص مسئولیت مدنی ضابطین باید گفت که اصولاً چنین مسئولیتی مبتنی بر تقصیر است که ضابطه تشخیص چنین تقصیری را در مباحث پیشین بیان نمودیم. پس در بررسی فعل زیانبار به عنوان رکن دوم مسئولیت مدنی ضابطین، می‌توان معیار تقصیر را برای چنین افعالی در نظر گرفت. بدیهی است هر جا سخن از تقصیر است و فعل زیانبار با این معیار مورد سنجش قرار می‌گیرد، دیگر نمی‌توان به نامشروع یا خلاف قانون بودن فعل زیانبار تکیه کرد. در هیچ یکی از قوانین و مقررات، مسئولیت بدون تقصیر برای شخص ضابطین در نظر گرفته نشده است تا به تبع آن طرح چنین معیاری ضرورت یابد و هر چند در مواردی می‌توان مسئولیت سازمان ضابطین را مورد طرح و بررسی قرار داد، اما در بحث ویژه مسئولیت مدنی ضابطین، به معیار تقصیر برای فعل زیانبار مستوجب مسئولیت مدنی اکتفا خواهد شد و چنین افعال زیانباری به عنوان رکن دوم مسئولیت مدنی مطرح خواهد شد. شایان ذکر است که فعل زیانبار در نقض حقوق شهروندی نمود بیشتری در جامعه خواهد داشت.

بند دوم: وجود ضرر یا ضرر قابل مطالبه :

برای نقض حقوق شهروندی و تحقق مسئولیت مدنی ضابطین باید خسارتی به شخص وارده باشد تا مدعی جبران آن شود. ضرر عبارت است از نقص در اموال یا از دست رفتن منفعت مسلم یا لطمه به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی. با توجه به تعریف مذکور، به نظر می رسد که فقط ضررهایی قابل جبران باشد که در گذشته بر شخص وارد شده است. ولی به موجب قانون بسیاری از کشورها از جمله قانون مسئولیت مدنی ما زیان آینده نیز به شرط آنکه تحقق آن در آینده حتمی و مسلم پیش بینی شود نیز قابل مطالبه است. بند سوم ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی بیان داشته: ((اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی بطور تحقق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر نسبت به حکم خواهد داشت)) بنابراین ضرری که جنبه احتمالی دارد قابل جبران نیست و برای اقامه دعوی مسئولیت مدنی باید منتظر بود تا خسارت وارد گردد. با توجه به مطالب فوق بدیهی است که کسی می تواند جبران ضرر وارده بر خود را بخواهد که به حق مشروع و مبتنی بر قانون او تجاوز شده باشد. بنابراین هر گاه ضابطی در اجرای دستور آمر و به منظور بازداشت متهم به قتل که مخفی شده است وارد حریم خصوصی و مخفیگاه شود، متهم نمی تواند ادعا کند که به حق قانونی او لطمه وارد شده است و درصدد مطالبه خسارت برآید. ورود خسارت به عنوان رکن اصلی مسئولیت مدنی در قانون مورد اشاره قرار نگرفته است، اما دلیل این سکوت بدهت امر است. در برخی مواد نظیر ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی به طور ضمنی تحقق ضرر شرط مسئولیت مدنی اشخاص محجور تلقی شده است. همچنین در ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، اثبات ضرر برای تحقق مسئولیت مدنی (ناشی از قرارداد) لازم تلقی شده است. لزوم تحقق ضرر از مواد ۵۱۵ و ۵۲۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز مستفاد می گردد. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد: ((...موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود...)) در قسمت اول این ماده به سه نوع خسارت جانی، مالی و معنوی (لطمه به آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي) اشاره شده که تقسیم بندی سه گانه ما را توجیه می کند.

بند سوم- رابطه سببیت یا رابطه عرفی بین فعل و خسارت:

صرف وجود یک فعل و ضرر نمی تواند ادعای نقض حقوق شهروندی را اثبات و مسئولیتی را بر عهده ضابطین قرار دهد. اما در صورتیکه بین فعل و ضرر یک رابطه عرفی و انتسابی وجود داشته باشد، مسئولیت محقق می شود. هنگامی که تقصیر مبنای مسئولیت مدنی است، احراز رابطه سببیت چندان سخت نیست. زیرا به وقایعی توجه می شود که در اثر بی احتیاطی و تقصیر شخص روی داده و زیان را ایجاد نموده است. اما چنانچه ، تقصیر شرط ایجاد مسئولیت در نظر گرفته نشده باشد احراز این رابطه مشکل خواهد بود. با در نظر گرفتن اینکه مبنای مسئولیت مدنی ضابط بر تقصیر استوار است، احراز رابطه سببیت مشکلات چندان نخواهد داشت. به نحوی که قبلاً بیان نمودیم، علاوه بر اینکه در موارد متعددی از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، به تقصیر اشاره شده و به طور ضمنی مسئولیت مدنی ضابط منوط به تقصیر اوست، به عنوان اصل وقاعده کلی نیز، مسئولیت ضابط با تقصیر او مستقر می شود و مسئولیت بدون تقصیر (بر مبنای نظریه خطر) برای ضابطی مقرر نشده است. بر این اساس در هر مورد که از اقدامات ضابط خسارتی به اشخاص وارد می گردد، تقصیر باید احراز شود که در این خصوص به نحوی که در مباحث پیشین مذکور افتاد شناسایی تقصیر اصولاً بایستی بر مبنای ضوابط حرفه ای و شغلی صورت پذیرد، زیرا انتظار می رود ضابطین، علاوه بر رعایت امور متعارف، ضوابط حرفه ای و شغلی نیز تخطی ننمایند. در همه این موارد، دادگاه می تواند با ارجاع قضیه به کارشناس و متخصص، تقصیر ضابط را احراز نماید که بدیهی است با مسلم بودن تقصیر رابطه سببیت عرفی نیز به سهولت قابل احراز خواهد بود (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲).

در تصرف نامشروع و غصب ، وجود رابطه سببیت به معنای متعارف ، ضروری نیست اما نوعی رابطه معنا دار بین رفتار غاصب و متصرف با خسارات وجود دارد ، به طور مثال ، خسارتی از غاصب قابل مطالبه است که در زمان تصرف او ایجاد شده باشد. اگر چه احراز رابطه سببیت با مشکلات روبروست اما در حالتی که یک سبب احتمالی وجود دارد با توجه به امارات و

قواعد فوق ، مساله حل و فصل می گردد. در حالتی که چند سبب در ورود خسارت دخالت دارند، پیچیدگی بیشتری وجود دارد (ره پیک ، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸الی ص ۶۹).

در حوزه مسئولیت مدنی علاوه بر احراز و اثبات فعل زیانبار و تقصیر، وجود رابطه علیت بین فعل زیانبار یا تقصیر و زیان های وارده بر زیان دیده شرط حتمی و قطعی مسئولیت مدنی است (مستفاد از مواد ۳۲۸، ۳۳۵، ۶۶۶ قانون مدنی، ماده ۱ قانون مدنی، ماده ۵۲۰ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی پیشین) با وجود این ، قانونگذار لزوم برقراری رابطه سببیت بین تقصیر و زیان ها را، که از مواد یکم و دوم قانون مسئولیت مدنی مستفاد می گردد به عنوان یک قاعده کلی پذیرفته است و در پاره ای از مواد از این قاعده عدول و نوعی مسئولیت مطلق ایجاد کرده است. در موارد ذیل از قاعده عدول شده است :

۱- غصب، ۲- شبه غصب (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۸۹)

احراز رابطه در غصب ضرورتی ندارد و به عبارت دیگر لازم نیست که زیان ناشی از تلف یا نقض مال مغضوب، ناشی از عمل غاصب بوده باشد. زیرا می دانیم که ید غاصب ، ضمانی است و مسئول خسارت وارده به مال مغضوب است هر چند که مستند به فعل او نباشد این موضوع در ماده ۳۱۵ قانون مدنی به این نحو بیان شده است که: ((غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد.)) بنابراین هر گاه مسئولیت مدنی ضابط ناشی از عمل غاصبانه باشد نیازی به احراز رکن سوم یعنی رابطه سببیت نیست و ضابط در هر حال مسئول است اگر چه تفل یا نقص یا عیب مال مغضوب، مستند به قوه قاهره باشد. در مواد ۵۳، ۸۸، ۹۱ قانون مجازات نیروهای مسلح نیز به مواردی اشاره شده که می تواند به عنوان غصب تلقی شود و یکی از منابع مسئولیت مدنی ضابط به شمار آید. لذا استثنای وارد بر حکم کلی، در خصوص ضابط نیز اجرا می شود و مسئول شناختن وی نیازمند احراز رابطه علیت عرفی میان عمل وی و وقوع زیان نمی باشد. منظور از رابطه سببیت در حقوق مسئولیت مدنی مفهوم فلسفی یا معنای رایج آن در علوم دیگر نسبت؛ یعنی رابطه ای ریاضی گونه و دقیق و قاطع. بلکه منظور مفهومی است که عرف از آن در می یابد. هر چند معانی علمی و فلسفی آن نیز در درک معنای رابطه علیت چندان بی تاثیر نیست. در حقوق مسئولیت مدنی معیار احراز رابطه سببیت، تفاهم عرفی است. یعنی عرف باید بین ضرر و فعل خواننده دعوی رابطه ای تصور نماید ؛ رابطه ای که برحسب جریان عادی امور فعلی، که خواننده مرتکب شده منجر به وقوع خسارت خواهد شد. ماده ۳۳۲ قانون مدنی در احراز رابطه سببیت نقش اصلی را به عرف داده است. ماده مزبور مقرر می دارد: "هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب، مگر اینکه سبب اقومی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد" در ذیل ماده مزبور انتساب تلف به فاعل فعل زیانبار منوط به نظر عرف شده است .

در فرض اجتماع اسباب که چند سبب باعث ضرر می شود برای تعیین علت ضرر و تحمل مسئولیت تئوریهای ارائه شده است. یکی از تئوری ها " نظریه برابری اسباب " است که طبق آن همه اسباب و شرایط را باید در ورود ضرر یکسان دانسته و همه را مسئول تلقی نمود. نظریه دیگر " نظریه سبب نزدیک یا آخرین سبب " می باشد که در آن تنها آخرین سبب مسئول حادثه است. همچنین نظریه دیگر " نظریه سبب مقدم " می باشد که طبق آن تنها سببی مسئول جبران ضرر است که زودتر از همه در ورود ضرر تاثیر داشته باشد. برخی نیز معتقدند به " نظریه سبب متعارف و اصلی " می باشند که طبق این نظریه باید بین اسباب و شرایط قابل به تفکیک شد و تنها علتی را مسئول حادثه دانست که طبق جریان عادی و متعارف امور به ضرر منتهی می شود ، ولی شرایطی را که بطور نادر منجر به ورود خسارت می شود، سبب تحقق خسارت نمی باشند و نباید جزء اسباب به شمار آیند. تئوری دیگر " نظریه تشخیص میزان تاثیر هر یک از اسباب " می باشد که منظور این است که باید تاثیر هر یک از اسباب را در خسارت وارده تمییز داد، و هر یک به اندازه و تاثیری که در ورود ضرر داشته مسئول است که ارزیابی و ذکر محاسن و معایب هر یک از تئوری های فوق خارج از بحث است (یزدانیان، ۱۳۸۶، ص ۲۶۰الی ۲۶۱).

اثبات رابطه سببیت با زیان دیده است و او باید در دادگاه نشان دهد که بین خواننده و ایجاد ضرر رابطه علیت و معمولی وجود دارد. ولی، در دعاوی مسئولیت مدنی، همیشه کار بدین سادگی نمی گذرد و گاه نیز خواننده دعوی ناچار می شود که

برای اثبات عدم دخالت خود دلیل بیاورد. دادرس باید در هر مورد خاص و با توجه به اوضاع و احوالی که حادثه زیانبار را احاطه کرده است، داوری کند. خسارت را انسان به بار می آورد و انسان دیگری درباره آن قضاوت می کند. به همین جهت، سهم عوامل انسانی را در این راه نباید فراموش کرد تنها به علم و نظریه های فلسفی روی آورد. هر کدام از نظریه ها بخش از حقیقت را همراه دارد و راهنمای مفیدی است، لیکن به طور قاطع بر هیچ یک نمی توان تکیه کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۴۷۱ الی ۴۷۲).

به نظر می رسد که، در حقوق ایران مسئولیت باید برای اساس میزان تاثیر هر یک از اسباب تقسیم شود زیرا :

اولاً - مسئولیت تضامنی راه حل نهایی نیست و یک نظریه تمهیدی و مقدماتی است که حقوق زیاندیدگان را تضمین می کند و در روابط اسباب کارآیی ندارد؛ بنابراین پذیرفتن آن، جزء در موارد منصوص و استثنایی با مبنای حقوق ماسازگاری ندارد؛ **ثانیاً -** راهکار ماده ۵۳۳ قانون جدید مجازات اسلامی، ناظر به موردی است که دخالت اسباب به نحو مساوی باشد. این نظریه به روشنی از مثال های فقهی و معیارهایی که فقیهان اسلام در آنها به کار برده اند استنباط می شود. بنابراین با ساکت بودن نص قانونی می توان از اصول کلی به عنوان قاعده استفاده کرد و نص ماده ۳۶۵ را چنین توجیه کرد که: چون اصل بر تاثیر هر یک از اسباب به طور مساوی است، پس مسئولیت هم به طور مساوی تقسیم می گردد، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. بنابراین بر طبق قاعده مستفاء از این ماده هر گاه تاثیر اضافی برخی اسباب نسبت به برخی دیگر اثبات نشود، اصل بر تساوی است ولی اگر مدتی بتواند چنین ادعایی را اثبات کند قاضی هم باید بر همان اساس حکم دهد (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹).

گفتار سوم) رعایت حقوق شهروندی در فعل ضابطین دادگستری و مسئولیت مدنی ناشی از عدم رعایت آن:

بند اول - تعریف لغوی و اصطلاحی فعل:

تعریف فعل در لغت: به معنی کار و انجام دادن کار تعبیر شده است (بهشتی، ۱۳۶۵، ص ۷۷۰) ضمناً به معانی عمل، کار، کردار و فعال بیشتر به معنی حال و اکنون نیز استفاده شده است (عمید، ۱۳۶۴، ص ۱۵۴).

تعریف فعل در اصطلاح: ماده ۹۵۱ قانون مدنی فعل زیانبار را به تعدی از رفتار انسان متعارف و تجاوز از حدود اذن نسبت به مال یا حق دیگری تعریف نموده است.

بند دوم: انواع مفاهیم تقصیر ضابطین دادگستری:

۱ - کار نامشروع و قابل انتساب به ضابطین دادگستری:

در تعریف مرسوم تقصیر به کار نامشروع و قابل انتساب به ضابطین عنوان شده است. در این تعریف، برای تقصیر دو عنصر گوناگون شناخته شده است :

الف - عنصر شخصی، یا قابلیت استناد کار نامشروع به ضابطین دادگستری :

بر اساس این معیار که به شخصی یا ذاتی معروف است برای تمییز تقصیر به حالت عادی و متعارف خود ضابط توجه می شود نه به ذات و نفس تجاوز ؛ بلکه وجدان شخص ضابط مقصراست که کاری را خلاف عرف و عادت می بیند و ناپسند می شمارد. بنابراین هر اندازه درجه آگاهی و تمییز شخص بیشتر باشد، لغزشهای کوچک او تقصیر محسوب می شود. برعکس همان اعمال نسبت یک شخص معمولی یا پائین تر از او به شمار نمی رود (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷).

از نظر فلسفی و اخلاقی، نمی توان ضابطین را ملامت کرد، مگر به مناسبت کاری که به اراده و خواست آنها انجام شده است. به دلیل همین نتایج نامطلوب، قابلیت انتساب در حقوق کنونی به کمترین میزان اعتبار رسیده و همین اندازه که رابطه علیت میان فعل ضرر احراز شود کافی است، هر چند به اراده آگاه مرتکب نباشد و تنها در تقصیر عمدی است که انتساب اضرار با اراده مرتکب مورد توجه قرار می گیرد. بدین ترتیب، مرز میان تقصیر مدنی و کیفری آشکارا رسم می شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۴۶ الی ۲۵۰)

ب- عنصر نوعی، مشروع بودن نفس عمل ضابطین دادگستری :

با زوال اندیشه فردگرایی حقوق دوران جدیدی را آغاز نموده است، یعنی دوره اجتماعی شدن حقوق. مفاهیم نیز تا اندازه ای متغییر شده ، اخلاق نیز اجتماعی شده و آن قسمت از حقوق که بیشتر متأثر از علم اخلاق بود نیز در معرض تغییر قرار گرفته است. (یزدانیان ، ۱۳۸۶ ، ص ۱۵۱). قید ((بدون مجوز قانونی)) در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، که از ماده ۴۱ قانون تعهدات سوئیس اقتباس شده و مقصود حقوق، اعم از نوشته یا ننوشته، مانند عرف و اصول کلی حقوق است، از همین نظر الهام گرفته است. در حقوق ایران به استناد مواد ۱۲۱۶ قانون مدنی و ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی عیان است که مفهوم اجتماعی تقصیر در ضابطین را نیز می توان پذیرفت.

۲- تجاوز از تعهد یا اجرا نکردن تعهد ضابطین دادگستری:

این تجاوز از عهدی است که قانون بر ضابطین تحمیل کرده باشد یا نتیجه قراردادی باشد که سازمان ضابطین با دیگران بسته است. (در موارد خاص مانند اعزام نگهبان جهت حفاظت از بانکها) بر مبنای این نظر، برای شناختن تقصیر ضابط باید تعهدات پیشین هر کس را معین کرد و اموری را که لازمه احتیاط است به دقت برشمرد و تهیه چنین صورتی خود نیاز به کاوش و تحقیق جداگانه دارد و گاه محقق را به دوری باطل می اندازد(همان منبع ، ص ۲۵۰ الی ۲۵۱).

۳- تجاوز از رفتار عادی ضابطین دادگستری :

در اینجا وجدان ضابط مقصر معیار است و تقصیری به امری گفته می شود که وجدان او ناپسند می شمارد و خلاف عادت و اخلاق می بیند. عیب مهم این نظریه، که تقصیر را به طور کامل مفهومی شخص می داند، این است که مسئولیت اشخاص دقیق و با وجدان سنگین تر از بی احتیاطان می شود. حقوق وسیله کشف واکنشهای وجدانی اشخاص را ندارند، پس ناچاراً ماده ای لازم است که وسیله کشف آن قرار گیرد و این وسیله، داوری عرف یا رفتار انسانی متعارف است (همان منبع، ص ۳۵۲ الی ۳۵۳)

۴- تجاوز از متعارف یا هنجار اجتماعی :

از جمع مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ قانون مدنی چنین استنباط می شود که تجاوز ضابطین عبارت است از انجام دادن کاری که او، به حکم قرارداد یا عرف، می بایست از آن پرهیز یا خوداری از کاری که باید انجام دهد. در تعریف قانون مدنی، مفهوم تقصیر قطع نظر از مرتکب آن مورد توجه است؛ مزیتی که مرز میان مسئولیت کیفری و مدنی را به گونه ای قاطع رسم می کند؛ در مسئولیت کیفری به نیت مرتکب و مجازات او پرداخته می شود، ولی در مسئولیت مدنی، نفس تجاوز به معیار عرفی ((رفتار مباح در زندگی اجتماعی)) مطرح است و سبب ضمان قرار می گیرد. (همان منبع، ص ۳۵۶ الی ۳۵۷)

بند سوم : مصادیق فعل توأم با تقصیر ضابطین دادگستری:

به موجب مواد ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری جدید وظایف ضابطین در برخورد با جرائم مشهود عبارتند از:

- ۱- نقض حقوق شهروندی و مسئولیت ناشی از تقصیر در تحقیقات مقدماتی
- ۲- نقض حقوق شهروندی و مسئولیت ناشی از تقصیر در حفظ آلات و ادوات ، آثار علائم و دلایل جرم
- ۳- نقض حقوق شهروندی و مسئولیت ناشی از تقصیر در تفتیش و بازرسی منازل ، اماکن و اشیاء
- ۴- نقض حقوق شهروندی و مسئولیت ناشی از تقصیر در دستگیری متهم
- ۵- نقض حقوق شهروندی و مسئولیت ناشی از تقصیر در تحت نظر قرار دادن متهم
- ۶- نقض حقوق شهروندی و مسئولیت ناشی از تقصیر در استفاده از اشیاء بکارگیری ضابطین دادگستری
- ۷- نقض حقوق شهروندی و مسئولیت ناشی از تقصیر در اجرای احکام دادگستری.

گفتار چهارم) رعایت حقوق شهروندی در ترک فعل ضابطین دادگستری و مسئولیت مدنی ناشی از عدم رعایت آن:

ترک فعل به فعل منفی تعبیر شده است به نحوی که بین شده: ((ترک فعل هیچ فعلی به خودی خود نمی تواند موجب نقض حقوق شهروندی و مسئولیت مدنی برای ضابطین گردد مگر آنکه به وسیله قانون و یا قرارداد انجام آن الزامی باشد و آن نسبت به فعل مخصوص خواهد بود زیرا افراد در افعال خود آزادند و نمی توان کسی را بدون مجوز قانونی به انجام فعل مخصوصی اجبار نمود که در صورت تخلف مسئول خسارت ناشی از عدم انجام آن باشد. فعلی که ترکش ممکن است موجب خسارت شود بر دو قسم است:

یک- فعلی که قانون انجام آن را لازم دانسته است مانند مورد ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی که می گوید: ((در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه، ولی نماینده قانونی او می باشد.)) و چنانچه ولی در نگاهداری اموال و حقوق مولی علیه اهمال نماید مسئول خساراتی است که به مولی علیه وارد شده است.

دو- فعلی که تعهد به انجام آن شده است مانند موردی که کسی به وسیله عقد قرارداد تعهد به انجام امری بنماید، در این صورت چنانچه متعهد آن را انجام ندهد و یا تاخیر در انجام آن بنماید و در اثر آن خسارتی متوجه متعهد شود، متعهد باید آن را جبران نماید (مواد ۲۲۶ و ۲۳۰ قانون مدنی) همچنین در صورتی که سوزنبن راه آهن وظیفه خود را در تغییر سوزن انجام ندهد و در اثر آن دو قطار با یکدیگر تصادم نمایند (امامی، ۱۳۸۹، ص ۴۷۱ الی ۴۷۲).

بند دوم - موارد مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل ضابطین دادگستری:

۱- نقض حقوق شهروندی و مسئولیت مدنی ناشی از کوتاهی در حمایت افراد توسط ضابطین دادگستری

۲- نقض حقوق شهروندی و مسئولیت مدنی ناشی از کوتاهی در مالکیت اشیاء اموال و تجهیزات

۳- نقض حقوق شهروندی و مسئولیت ناشی از عدم مواظبت و نگاهداری از اشخاص که تحت نظر یا بازداشت شده اند

۴ - نقض حقوق شهروندی و مسئولیت ناشی از عدم رعایت (ترک فعل) حقوق شهروندی و نقض حریم خصوصی

گفتار پنجم) ضابطان دادگستری در کدام موارد از مسئولیت مدنی معاف خواهند شد و شامل نقض حقوق شهروندی نمی شوند:

بند اول) مفهوم و مبانی و شرایط:

تعریف: معاف در لغت به معنای ((عفو کرده، شده بخشوده نوشته شده)) است (عمید، ۱۳۶۴، ص ۱۸۲۲).

پاره ای از افعال ضابطین، با این که موجب زیان دیگران است، چون لازمه اجرای حقی، است که قانون به آنها داده است و موجب نقض حقوق شهروندی نشده و مسئولیتی به بار نمی آورد و همه آن را مباح می شمارند. گاه نیز، به لحاظ طبیعت کاری را که انجام شده است یا به دلیل حکم قانون، نمی توان فعلی را که در شرایط عادی ممنوع سبب ایجاد ضمان است ((نامشروع)) نامیده یا تقصیر شمرد. در چنین مواردی ضابط قابل سرزنش نیست و از او بازخواست نمی شود. ((اوضاع و احوالی خارجی را که سبب مشروع شدن فعل زیانبار و معافیت از مسئولیت می شود، نباید با نداشتن تقصیر اشتباه کرد: تفاوت نبودن تقصیر و وجود حادثه خارجی، کافی نیست که ثابت شود شخص تقصیری نداشته است؛ باید ثابت گردد که برای انسانی متعارف غیر ممکن بوده است کاری غیر از خوانده دعوی انجام دهد (گاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۱۶ الی ۳۱۷).

در کنار علل خارجی که بر رابطه سببیت تاثیر دارند برخی عوامل دیگر نیز وجود دارند که فعل زیانبار ضابطین را تحت تاثیر خود قرار می دهند. این عوامل که معمولاً تحت عنوان علل موجهه از آنها یاد می شود فعل زیانبار را توجیه می کنند. تاثیر چنین توجیهی آن است. که فعل زیانبار، مباح می شود. البته علل موجهه از تنوع زیادی برخوردار هستند و همگی آنها تاثیرات یکسانی ندارند. برخی از آنها باعث از بین رفتن مسئولیت می شوند و بعضی دیگر، تنها مسئولیت را بر عهده دیگری قرار می دهند بدون اینکه اصل مسئولیت را منتفی کنند. علت تفاوت در حکم این عوامل، اختلاف شرایط آنها می باشد. به طور مثال، در دفاع مشروع اقدام دفاع کننده، نوعی مقابله در برابر حمله کننده است در حالی که در اضطرار، مضطربان توجه به حالت اضطراری به طور ابتدایی به دیگری خسارت وارد می کند (ره پیک، ۱۳۸۸، ص ۷۸).

مسئولیت مدنی مبتنی بر خساراتی است که نامشروع باشد و قانون ورود چنین خساراتی را ممنوع سازد. از ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که مقرر داشته است: ((هر کس بدون مجوز قانونی...موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد)) همین نکته استنباط می شود. پس هرگاه شخص به دیگری با مجوز قانونی خسارتی وارد آورد، مسئولیتی برای جبران خسارت نخواهد داشت. از این رو است که نمی تواند هر فعل زیانباری را موجب مسئولیت

مدنی دانست. در این فصل موارد و اسبابی که ضابط را از مسئولیت مدنی الزام به جبران خسارت معاف می سازد بررسی می کنیم در حقیقت علل و اسبابی که علیرغم وقوع فعل زیانبار، مانعی برای ایجاد مسئولیت مدنی به شمار می روند موضوع بحث حاضر است.

ضابطین در اقدامات و ماموریت‌های قانونی خود، ممکن خسارتی را وارد آورد. در اینصورت بر طبق قاعده عمومی، اسباب معافیت وی از مسئولیت مدنی بایستی مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر در مواردی ممکن است علیرغم ورود خسارت، ضابط به علل موجهه و رافع مسئولیت استناد و با اثبات موضوع بتواند از پرداخت خسارت معاف شود (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸ ص ۲۲۱). ضمناً پاره ای از نویسندگان چنین اسبابی را به عنوان افعال مباح یا مشروعی که موجب زیان دیگری است عنوان نموده و افزوده اند که به لحاظ طبیعت کاری که انجام شده یا به دلیل حکم قانون نمی توان فعل ارتکاب شده را نامشروع شمرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۱۲).

بند دوم- موارد مهم معافیت ناشی از تقصیر فعل یا ترک فعل ضابطین دادگستری:

۱- دفاع مشروع، ۲- حکم قانون، ۳- دستور مقام صالح، ۴- تحذیر (هشدار)، ۵- اجبار و اکراه، ۶- غرور، ۷- اضطرار.

۱-دفاع مشروع:

ماده ۱۵ قانون مدنی در این باره می گوید: ((کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعددی شود، مسئول خسارت نیست. مشروط بر این که خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد)) و ماده ۱۵۶ قانون جدید مجازات

اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نیز در مقام بیان شرایط دفاع در امور کیفری می نویسد:

هر گاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره ۱- دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسئولیت دفاع از وی برعهده دفاع کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

تبصره ۲- هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع بر عهده مهاجم است.

تبصره ۳- در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

و ماده ۱۵۷ قانون مذکور نیز در این خصوص عنوان داشته است: مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود لکن هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و

حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، دفاع جایز است.

۲- حکم قانون:

در صورتیکه ضابطی به حکم قانون سبب ورود زیان به دیگری شود، مسئولیتی ندارد: چنان که، اگر ضابطی خون راننده ای را به منظور احراز صرف مشروبات الکی بگیرد، مسئول زبانی که وارد کرده نیست. با وجود این، اگر در مقام اجرای قانون یا دستور دادگاه ضابطی مرتکب بی مبالاتی و سهل انگاری شود، مسئول زبانهای ناشی از رفتار نامتعارف خویش است و دستور قانون او را از پیامدهای تقصیر و سوء استفاده از این موقعیت معاف نمی کند معافیتهای قانونی، در واقع استثناء بر قواعد عمومی مسئولیت است و باید در قلمرو ویژه خود اجرا شود و، به بیان دیگر، تفسیر محدود شود و نمی توان حکم آن را به موارد مشابه سرایت داد. به طور خلاصه، اجرای هر امر اداری یا قضایی، هر چند به طور صریح حاوی تأمین حقوق اشخاص نباشد، محدودیتهای عرفی و قانونی خود را دارد و در حدود این قلمرو عرفی باید اجرا شود و ضابط موظف است تمام احتیاط های معقول را برای پرهیز از اضرار به دیگران رعایت کند. اباحه اضرار ممکن است ناشی از حکم مسقیم قانون نباشد، ولی عرف آن را مباح بداند و سبب معاف شدن از مسئولیت شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۲۲ الی ۳۲۳).

به نظر می رسد حکم قانون به طور مطلق تقصیر ضابط را برطرف نمی کند بلکه در صورت جمع شرایط ذیل مسئولیت کیفری و مدنی را از بین می برد؛ زیرا هرگاه ضابطی به حکم قانون و با رعایت شرایط لازم به فعل زیانباری اقدام کند، هیچ گونه تقصیری به وی نسبت داده نمی شود.

۳- دستور مقام صالح:

دستور مقام صالح نیز مانند حکم قانون تقصیر و در نتیجه مسئولیت ضابط را رفع می کند؛ بنابراین هرگاه ضابط اجرای احکام دادگاه یا سلسله مراتب به ناچار و توسل به زور، خانه ای را تخلیه نماید و به محکوم علیه ضرر برساند هیچ گونه مسئولیتی نخواهد داشت.

۴- تحذیر (هشدار):

عناصری که برای رفع مسئولیت ضابطین هشدار دهنده بیان شده است به قرار ذیل می باشد.

۱- هشدار موثر باشد.

۲- هشدار ضابط به خسارت دیده واصل گردد.

۳- امکان فرار برای خسارت دیده موجود باشد

۵- اجبار و اکراه:

در خصوص ضابط، اجبار یا اکراه در ورود خسارت متصور است. شاید ضابط توسط تبهکاران به گروگان گرفته شود و با اجبار او روبرو شود و تهدید کننده با نشانه روی اسلحه گرم، ضابط را وادار به عملی نماید که نتیجه آن ورود خسارت است. این تهدیدگاهی چنان است که به طور کلی، ضابط را فاقد اراده می سازد و هر شخص (ضابط) متعارفی به این تهدید تن می دهد و گاهی ممکن است که تهدید قابل رفع باشد در حالتی که اجبار و تهدید موثر صورت گرفته است می توان با ملاک ماده ۳۳۲ قانون مدنی، سبب اقوی را مسئول شناخت و در نتیجه ضابط را از مسئولیت معاف تلقی نمود. برعکس در مواردی که درجه تأثیر اکراه ضعیف است، ضابط مسئولیت مدنی خواهد داشت.

۶- غرور:

ممکن است ضابطی ادعا نماید که در ورود به منزل دیگری جهت دستگیری متهم، همسایه دروغگو، وی را فریب داده است. ضابط با آموزشهای کافی فنی و تخصصی، نمی تواند به این عنوان خود را از مسئولیت معاف سازد و بنابراین دقت و احتیاط از لوازم کار ضابط تلقی می گردد. بر اساس نظر مشهور می توان ضابط را فاقد مسئولیت تلقی کرد، اگر چه در مقابل ممکن است شخص غار و فریب دهنده در مقابل زیان دیده مسئولیت مدنی داشته باشد. البته در توزیع نهایی مسئولیت، می توان گفت که غار مسئول است زیرا طبق قاعده (المغرور یرجع الی من غره) هرگاه شخص مغرور نسبت به جبران خسارت وارده اقدام نماید می تواند به کسی که او را فریب داده است رجوع نماید. در مواردی که ضابط دچار فریب می شود می توان همین قاعده فقهی را اعمال کرد. (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶)

۷- اضطرار:

در مواردی که مسئولیت بر پایه تقصیر است و کسی در شرایط اضطرار به دیگری زیان می رساند، ضابطین را نمی توان ناقض حقوق شهروندی دانسته و مسئول شناخت زیرا فرض بر این است که مسئولیت بر اساس تقصیر است و او مرتکب تقصیر نشده است. ولی هر گاه در این شرایط از مال دیگری بدون جهت استفاده کند، رجوع به او از این جهت امکان پذیر است نه عامل ورد زیان برای روشن شدن موضوع لازم است (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵).

گفتار ششم نتیجه گیری:

۱- در خصوص نقض حقوق شهروندی و مسئولیت مدنی ضابطین باید گفت که مبنای چنین مسئولیتی علی القاعده بر نظریه تقصیر استوار است چون تقریباً همگان پذیرفته اند که مسئولیت متخصصان اصولاً یک مسئولیت مبتنی بر تقصیر است.

۲- مطالعه موارد نقض حقوق شهروندی و مسئولیت مدنی دولت در نظام حقوقی کشور ما مبین آن است که، علیرغم پیش بینی برخی موقعیتهای خاص در قوانین مصوب، که مسئولیت دولت را منطبق با تئوریهای تقصیر یا خطر پذیرفته است؛ در

بسیاری از موارد مواجه با اشکال یا خلاء قانونی است. لذا، بازنگری جامع در این زمینه و تدوین و تصویب قانون جامع تحت عنوان "مسئولیت مدنی دولت و کارکنان" امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. تا زمان تصویب چنین قانونی وظیفه قضات دادگاهها است که با استناد به اصول و قواعد حقوقی راجع به مسئولیت، حکم هر قضیه را صادر نمایند.

۳- برای اینکه تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت ضابطین مؤثر باشد و موجب کاستن یا معافیت او از مسئولیت شود، باید: اولاً، زیان ایجاد شده

قابل انتساب به تقصیر زیان‌دیده باشد؛ به عبارت دیگر، بین تقصیر زیان‌دیده (یا اقدام او) و ضرر ایجاد شده، رابطه سببیت وجود داشته باشد و یکی از اسباب آن به حساب آید. ثانیاً، تقصیر زیان‌دیده نتیجه تقصیر ضابط نباشد؛ بدین معنا که تقصیر ضابط منشأ و محرک اقدام زیان‌دیده (تقصیر او) نباشد.

۴- در رابطه با معیار تقسیم مسئولیت بین زیان‌دیده و ضابط، حکم قانون مجازات اسلامی (تساوی) در تمام مواردی که دو سبب در وقوع خسارت دخالت دارند، اعمال می‌شود.

۵- با توجه به اینکه ضابطین، در صورت نقض حقوق شهروندی و تقصیر حرفه‌ای، مسئولیت مدنی نیز دارند، لذا تفاوتی از حیث نوع خسارت ملاحظه نمی‌شود. پس چنانچه مأمور ضابطین بدون داشتن حکم جلب، شخص را دستگیر کند و مانع شرکت او در جلسه قراردادی شود که حسب جریان عادی و متعارف امور، می‌توانسته است برای او سودآور باشد، ضمان ناشی از تخلف ضابطین تحت عنوان عدم النفع قابل مطالبه است. همچنین است هرگاه ضابطین، بیش از مدت مقرر قانونی یا بیش از زمانی که قاضی اجازه توقیف داده است، متهمی را در حبس نگاهدارد و این اقدام سبب ورود خسارت منفی (عدم النفع) گردد.

۶- در مقررات قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ اشاره‌ای به موضوع عدم النفع یا تقویت منفعت نشده است و ماده صریحی در این خصوص ملاحظه نمی‌شود اما به موجب قاعده کلی می‌توان گفت که تقویت منفعت از اقسام خساراتی است که ضابطین در صورت نقض حقوق شهروندی و تحقق سایر شرایط مسئولیت مدنی، بایستی جبران نمایند.

۷- بایستی تناسبی میان استفاده از زور در اقدامات ضابطین و تخلف احتمالی ارتكابی زیان‌دیده وجود داشته باشد.

گفتار هفتم) پیشنهادات کاربردی:

۱- در خصوص شخصی که ضابطین دادگستری درصدد دستگیری او هستند، اتلاف اموال می‌تواند تحقق یابد که در صورت رعایت قواعد کلی اتلاف (ماده ۳۲۸ قانون مدنی) ضابطین در هر حال مسئول است اعم از اینکه اتلاف عمدی باشد یا غیر عمدی. اما در این خصوص بیان نمودیم که تلف عمدی و بدون سوءنیت اموال شهروندان انگیزه کار را از ضابطین سلب می‌نماید و شایسته است قانون‌گذار طی حکم کلی، ضابطین را در مقابل اتلاف غیرعمد و بدون سوء نیت اموال شهروندان و حتی سازمان آنها معاف سازد تاوی از علاقه و پشتکار کافی برای اجرای وظایف محوله برخوردار باشد و به جهت عدم متضرر شدن اشخاص بایستی جبران از طریق بیمه انجام پذیرد تا موجب تضییع اموال شهروندان نشود.

۲- با توجه به اینکه استفاده از بیمه مسئولیت حرفه‌ای ضابطین تامین‌کننده منافع طرفین (ضابط یا سازمان ضابط و زیان‌دیده) است لذا بهترین شیوه ممکن نهادینه کردن بیمه در سازمان ضابط می‌باشد به نحوی که بتواند هر گونه خسارتی را اعم از مالی و جانی تحت پوشش قرار دهد. با لحاظ بالا بودن میزان حق بیمه و عدم تمایل شرکتهای بیمه به انعقاد چنین بیمه‌نامه‌هایی شایسته است که به جای در اختیار قرار دادن بودجه‌ای برای پرداخت خسارت به دولت (نظیر آنچه که در ماده ۱۳ قانون بکارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ ملاحظه شود) همه ساله بودجه مستقلی برای تامین حق بیمه اختصاص یابد تا حمایتها و پوششهای بیمه‌ای کامل برای ضابطین برقرار شود.

۳- بر مبنای قاعده کلی، اضطراب تأثیری در مسئولیت مدنی ندارد و مضطر نمی تواند برای معاف شدن از مسئولیت مدنی به اضطراب استناد نماید ضابط جایگاه ویژه خود را دارد و از اعمال و اقداماتی که به عنوان امر فرمانده اجرایی کند نفعی شخصی نصیب او نمی شود پس شایسته است قانونگذار با وضع حکمی، ضابطین مضطرا از مسئولیت مدنی معاف سازد و جبران خسارت رابه عهده سازمان او محول سازد.

۴- برای اینکه اقدامات ضابطین دارای کمترین میزان خسارت به شهروندان گردد آموزش مستمر به ضابطین دادگستری در خصوص حیطة وظایف آنها و تسلط کافی به قوانین می تواند مثر ثمر گردد.

۵- نظارت مستمر بر عملکرد ضابطین از طریق سازمان مربوطه یا سازمانهای ناظر بر ضابطین نیز مفید می باشد.

۶- استانداردسازی الگوی رفتار ضابطین دادگستری و حذف رویه های سنتی با تدوین شرح وظایف آنان در جرائم مشهود و غیرمشهود نیز در کاهش خسارت در انجام وظایف ضابطین موثر می باشد.

۷- تهیه و تدوین قوانین متناسب با نقض حقوق شهروندی و مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آنها می تواند خلاء های قانونی موجود را تعالی بخشیده و برخوردهای سلیقه ای با این امورات را کاهش دهد.

۸- آموزش مکرر به قضات، ضابطین به جهت عدم صدور دستورات مبهم و ناقص در امر کاهش ورود خسارت به اشخاص در حین انجام وظایف ضابطین نقش بسزائی خواهد داشت .

۹- تجهیز و تقویت ابزار کار ضابطین و نوسازی وسائل و درضمن به روز رسانی سیستم های فنی و الکترونیکی و مجهز نمودن ناوگان دستگیری و ترابری آنها نیز در امر کاهش خسارات وارده به شهروندان و مسئولیت ضابطین موثر خواهد بود.

۱۰- در احراز تقصیر ضابطین به شرایط جسمانی و روانی، محیطی، ابزار کاربردی ضابطین لحاظ گردد. (مانند قانون جدید راهور که به مشکلات زیرساختی توجه نموده است.)

۱۱- قضات در احراز تقصیر ضابطین بایستی به میزان تأثیر فعل زیان دیده در بروز خسارت امعان نظر داشته و در ضمن خسارات معنوی وارده به ضابطین در راستای اجرای قوانین و احکام قضایی مدنظر داشته باشند.

۱۰- آموزش مستمر به شهروندان (که در اینجا کارکنان ناجا و بعضی اوقات شهروندان عادی می باشند) در خصوص نحوه برخورد با ضابطین در حین انجام وظایف آنها و غنی سازی فرهنگ مردم از طریق برنامه های سمعی و بصری نقش اساسی در حقوق مداری و احترام به مجریان قوانین و احکام قضائی در جامعه منجر خواهد گردید.

۱۱- جلب مشارکت عمومی در راستای اعلام موارد نقض حقوق شهروندی

۱۲- شناسایی ارگانهای نظارتی و تشویق مردم به اعتماد و ارائه گزارشات به مبادی پیگیری موارد نقض حقوق شهروندی

۱۳- اعلام دقیق، سریع نتیجه بررسی موارد نقض حقوق شهروندی به متضررین و گزارش دهنده گان

فهرست منابع :

- قرآن کریم((سوره بقره آیات ۲۸۲ و ۲۳۳، سوره بلد، آیه- ۴ سوره بنی اسرائیل آیه ۳۴ سورة طلاق آیه ۶ سوره طه آیه ۱۱۵ - سوره مائده آیات ۳۹ و ۴۸- سورة مائده آیه - سوره نساء آیات ۱۰ و ۲۹ امامی؛ سید حسن، ۱۳۸۹، حقوق مدنی، جلد اول به انضمام مسئولیت مدنی، تهران انتشارات اسلامیة، چاپ سی و دوم
- بادینی؛ حسن، مقاله انسان معقول و متعارف برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، بهار ۸۹
- بهشتی؛ محمد، ۱۳۶۵) فرهنگ صبا، تهران، انتشارات صبا، چاپ ششم
- جعفری لنگرودی؛ محمد جعفر، ۱۳۶۷، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش - چاپ پنجم
- خادم؛ مهدی، مقاله تاثیر حالت زیان دیده بر مسئولیت عامل زیان، تاریخ تابستان ۸۹، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۰
- خالقی؛ علی؛ ۸۸، آئین داری کیفری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای شهر دانش، چاپ اول
- دهخدا؛ علی اکبر، ۱۳۳۷، لغت نامه، تهران، سیروس، جلد ۳۲
- ره پیک؛ حسن، ۱۳۸۸، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، تهران، خرسندی، چاپ دوم
- شعاریان؛ ابراهیم-جباری، منصور، ۱۳۸۸، مسئولیت مدنی پلیس، تبریز، فروزش، چاپ اول
- عمید؛ حسن، ۱۳۶۴، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ ششم
- قاسم زاده؛ مرتضی، ۱۳۸۷)، الزام ها، مسئولیت مدنی بدون قرار داد، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم
- کاتوزیان؛ ناصر، ۱۳۸۷، الزامهای خارج از قرار داد جلد اول (قواعد عمومی "، تهران، چاپ دانشگاه تهران، چاپ هشتم
- مجیدی؛ عبدالله؛ ۸۷، آشنائی با ساختار و مقررات استخدامی نیروی انتظامی، تهران، موسسه انتشاراتی جهان جام جم، چاپ دوم)
- سیحی؛ مهرزاد، ۱۳۸۹، قانون مدنی به همراه قانون مسئولیت مدنی، آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور و نظرات مشورتی اداره حقوقی، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ دوم
- مصباح یزدی؛ محمد تقی، ۱۳۸۱، فلسفه اخلاق، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول
- معین؛ محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ فارس، جلد ۳، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- منصور؛ خدیجه، ۱۳۹۲، مسوولیت بدون تقصیر دولت، پایگاه نشر مقالات حقوقی حق گستر
- یزدانیان؛ علیرضا، ۱۳۸۶، حقوق مدنی و قواعد مسئولیت مدنی "جلد اول"، تهران، نشر میزان، چاپ اول

قوانین مورد استفاده :

- ۱- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸-۱۳۹۲
- ۲- قانون آئین دادرسی مدنی مصوب سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۷۹
- ۳- قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ (اصلاحی سال ۱۳۶۸)
- ۴- قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی سال ۱۳۸۳

- ۵- قانون بکارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب سال ۱۳۷۳
- ۶- قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسائل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب سال ۱۳۸۷
- ۷- قانون تشکیل ناچامصوب سال ۱۳۶۹
- ۸- قانون مجازات اسلامی مصوب سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲
- ۹- قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۸۲
- ۱۰- قانون مسئولیت مدنی مصوب سالهای ۱۳۳۹
- ۱۱- قانونی مدنی مصوب سال ۱۳۳۵ (اصلاحی سال ۱۳۷۰)

پیوست: قوانین مرتبط با وظایف ضابطین دادگستری براساس مواد قانونی آئین دادرسی کیفری جدید

وظایف ضابطان دادگستری در تعریف قانونگذار در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ (مصوب اصلاحات ۹۴/۳/۲۴)

درفصل اول قانون جدید وتعریف آیین دادرسی کیفری و اصول دادرسی منصفانه یکی از اهداف وضع واجرای این قانون را تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری بشرح ذیل عنوان نموده است لذا تعیین خطوط حرکت وجلوگیری از سلیقه کاری وتخلف از حدود وتکالیف نیزمدنظر قانونگذار می باشد.

درماده ۱ قانونگذار آیین دادرسی کیفری را ترتیبات و قواعدی که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم و بزه دیده وضع شده تعریف نموده است.

باتوجه به متن صریح ماده قانون پرواضح است که درصورتی که کارکنان ناجا درمراحل مختلفه رسیدگی به جرائم کارکنان ناجا از وظایف خود تخطی نموده یا حتی به تکالیف خود عمل ننمایند ودرصورتی که ازحدود اختیارات خودفراتر اقدام نمایند بایستی پاسخگو باشند (فعل یا ترک فعل)

وظایف ضابطان دادگستری در حفظ و رعایت قانون و حقوق شهروندی:

در ماده ۷ این قانون نیز اهمیت وضورت حفظ حقوق شهروندی درتمامی مراحل آئین دادرسی ورسیدگی به پرونده های متشکله تاکید شده است به نحوی که در تمام مراحل دادرسی کیفری، اعم از کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای آراء، رعایت حقوق شهروندی مقرر در « قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» و سایر قوانین از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارد شده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد، مگر آن- که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.همانطوری که درتعریف قانون آیین دادرسی کیفری (ماده ۱) مشاهده می شود حقوق متهم قبل از حقوق بزه دیده آمده وتاکید ماده ۷ نشانگراین امر است که قانون مذکور بر پایه قانون حقوق شهروندی مستحکم شده وحفظ حقوق شهروندی دراولویت قانونگذار می باشد.

وظایف ضابطان دادگستری در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی:

در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، به ضابطان دادگستری و تکالیف آنها (از ماده ۲۸ به بعد) به صورت مفصل اشاره شده که به تبیین مواد قانونی مذکور می پردازیم:

در ماده ۲۸ واضح قانون ضابطان دادگستری را به این نحو تعریف نموده که آنان مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، بازجویی مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می کنند.

دسته بندی ضابطان دادگستری و لزوم نظارت ضابطین خاص بر سربازان وظیفه:

در ماده ۲۹ این قانون ضابطین را دسته بندی نموده است به طوری که بیان نموده ضابط دادگستری به دو دسته تقسیم می شوند:

الف- عام

ب- خاص

نکته: در تعریف ضابطین خاص عنوان شده است که سایر نیروهای مسلح که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود ضابط محسوب می شوند.

در ضمن در تبصره ماده ۲۹ نیز آمده است که: سربازان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می کنند و مسؤلیت تمام اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. لیکن متصدیان پرونده در تمامی مراحل سیر پرونده بایستی این امر را مدنظر داشته باشد.

لزوم آموزش به ضابطین دادگستری و اعطاء کارت ضابطیت:

ماده ۳۰ اشعار می دارد که احراز عنوان ضابط دادگستری، منوط به فراگیری مهارت های لازم با سپری نمودن دوره های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، اعتبار قانونی ندارد.

این نکته در عین ماده قانونی آمده است لذا بایستی اجرائی شده و متهم پرونده یا ... می تواند کارت ضابطیت را از ضابطین بخواهد و آنها را به چالش بکشد لذا بایستی بسترها را برای اجرائی نمودن این ماده قانونی که جهت تسلط ضابطین بر اقدامات و عدم سوء استفاده برخی از کارکنان غیر ضابط رافراهم نمود. شایان ذکر است که در تبصره این ماده نیز آمده است که آیین نامه اجرائی ماده فوق ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد؛ ولی ظاهراً هنوز اجرائی نشده است. در ماده ۳۲ قانون گذار عنوان نموده است که: ریاست و نظارت بر تمام اقدامات ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با دادستان است. مقامات قضایی دیگر نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می کنند، حق نظارت دارند. برخی از قضات این امر را در تمامی مراحل اقدامات ضابطین تسری می دهند که بایستی مد نظر باشد.

در ماده ۳۳ این قانون درج شده است که دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف مربوط به ضابطان، واحدهای مربوط را به طور مرتب مورد بازرسی قرار داده، در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می شود، قید و دستورات لازم را صادر می کند که این امر نشانگر اهمیت هدایت دادستان در امور قضائی می باشد اما نکته حائز اهمیت این می باشد که قانونگذار این اختیار را فقط برای دادستان اعطاء نموده و این امر نمی تواند به سایر کارکنان و قضات تسری پیدانماید.

لزوم هماهنگی قضائی ضابطین دادگستری و اولویت اخذ دستور کتبی و لزوم قبول شکایت:

در ماده ۳۴ صراحتاً اشاره شده است که دستورات مقام قضایی به ضابطان دادگستری به صورت کتبی، صریح و با قید مهلت صادر می‌شود. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می‌شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورات و درج کامل آن در صورتجلسه، در اسرع وقت آن را به امضای مقام قضایی برساند. چنین به نظر می‌رسد که قانونگذار به دلیل کثرت پرونده های متشکله تلویحاً دستورات شفاهی رانیز قبول نموده لذا تأیید دستور شفاهی رانیز در اسرع وقت و به دلیل عدم فراموشی موضوع امری ضروری دانسته است که ضابطین محترم بایستی به این مهم امعان نظر کافی داشته باشند.

در ماده ۳۵ این قانون درج شده است که ضابطان دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضایی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده اقدام و چنانچه به هر علت، اجرای دستور یا تکمیل پرونده میسر نشود، باید در پایان مهلت تعیین شده، گزارش آن را با ذکر علت برای مقام قضایی ارسال کنند. این ماده قانونی اهمیت وضروت اقدام در بازه زمانی اختیار بازخواست مقام قضائی از ضابطین دادگستری در صورت عدم انجام به موقع دستورات به جهت جلوگیری از اطاله داری را تبیین نموده است.

در ماده ۳۶ قابلیت استناد یا عدم استناد به گزارش ضابطان آمده است به نحوی که اشاره شده است که گزارش ضابطین در صورتی قابل استناد است که برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نبوده و براساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شده باشد. در غیر این صورت، از سوی مراجع قضایی قابل استناد نیست.

این ماده قانونی به قاضی اختیار پذیرش یا عدم قبولی گزارش ضابطین را اعطاء نموده و لزوم دقت ضابطین در تنظیم گزارشات وصحت آنها را آورده است .

ماده ۳۷ نیز ضابطان دادگستری را مکلف نموده است که هم شکایت کتبی وهم شفاهی را قبول نمایند. لیکن بایستی پس از دریافت شکایت کتبی، به شاکي رسید تحویل دهند و شکایت شفاهی را صورتجلسه کرده، به امضای وی برسانند و به فوریت نزد دادستان ارسال کنند. لذا این ماده قانونی ضابطین را مکلف نموده است که در همه حال شکایت شکات را دریافت و اقدامات لازم را انجام دهند و نمی‌توانند به بهانه هایی از دریافت شکایت خودداری نمایند.

لزوم اعطاء مشاوره حقوقی وسایر معاضدت های لازم توسط ضابطان دادگستری:

ضابطان دادگستری طبق ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مکلفند شاکي را از حق درخواست جبران خسارت و دریافت خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند. لیکن طبق این قانون ضابطین بایستی اصولاً به قوانین موضوعه تسلط و آشنائی کافی را جهت ارائه مشاوره داشته باشند. ماده ۳۹ نیز ضابطان دادگستری را مکلف کرده است که اظهارات شاکي را در مورد ضرر و زیان وارد شده در گزارش خود به مراجع قضایی ذکر کنند. این امر مؤید اهمیت دادن قانونگذار به ضروریان وارده به شکات پرونده و لزوم مستند نمودن آنها توسط ضابطین دادگستری می‌باشد.

لزوم حفظ اسرار طرفین پرونده، عدم افشای اطلاعات توسط ضابطان دادگستری:

در ماده ۴۰ عنوان شده است که ضابطان دادگستری مکلفند با رعایت حریم خصوصی از افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده و شهود، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، خودداری کنند. این ماده قانونی نشانگر اهمیت اطلاعات شخصی افراد با تکیه بر اصل ۲۵ قانون اساسی می‌باشد. در ضمن این امر را نیز یادآوری می‌کند که محتوای پرونده محرمانه بوده و بدون مجوز قانونی نبایستی به آنها دسترسی داشته باشند.

عدم تفویض اختیار قانونگذار به ضابطان دادگستری در اخذ تامين:

در ماده ۴۱ صراحتاً عنوان شده است که ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آن‌ها ارجاع کنند، این ماده قانونی ابهام در قبول یا عدم قبولی تأمین از متهم را رفع نموده و با شفافیت موضع خود را بیان نموده است.

لزوم بازجویی اطفال و زنان توسط ضابطان دادگستری زن:

در ماده ۴۲ اشاره شده است که بازجویی و تحقیقات از زنان و اطفالی که سن آن‌ها پانزده سال و کم‌تر از آن است، توسط ضابطان آموزش دیده زن انجام گردد و این امر به دلیل احترام به حقوق زنان و کودکان وضع شده است.

وظایف ضابطان دادگستری در جرائم غیر مشهود:

در ماده ۴۴ نحوه اقدام و وظایف ضابطین دادگستری در جرائم غیر مشهود آمده است؛ به نحوی که باید ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورات لازم به دادستان اعلام کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم حسب مورد، دستور ادامه تحقیقات یا مختومه شدن پرونده را صادر می‌کند.

وظایف ضابطان دادگستری در جرائم مشهود:

در ماده ۴۴ این قانون نیز آمده است که در خصوص جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار و علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی به عمل آورده، تحقیقات لازم را انجام داده و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان برسانند.

تعریف قانونگذار از جرائم مشهود:

در ماده ۴۵ جرم مشهود را به صورت مصداقی بیان نموده است:

الف) در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یاد شده به فوریت در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب) بزه دیده یا جمعی که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

ج) بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله آن در تصرف متهم یافت و یا تعلق اسباب و ادله یاد شده به متهم محرز شود.

د) متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار بوده یا فوری پس از وقوع جرم دستگیر شده باشد.

ه) جرم در داخل خانه اتفاق افتاده و شخص ساکن در آن بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به آن خانه درخواست کند.

و) متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

ز) متهم ولگرد و یا دارای سوابق سوء کیفری بوده و به این امر در آن محل شهرت داشته باشد.

وظایف ضابطان دادگستری در اجرای دستورات قضائی و کیفیت کسب تکلیف و نگهداری از متهم:

ماده ۴۶ وظایف ضابطان دادگستری در اجرا دستورات قضایی، نگهداری متهم، وکسب تکلیف از مرجع قضائی را به صورت واضح بیان نموده به نحوی که آنها را مکلف نموده است تا نتیجه اقدامات خود را فوری به اطلاع دادستان برسانند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگاهدارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ کنند و مراتب را در اولین فرصت برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

در ماده ۴۷ قانون اشاره شده است که هرگاه افرادی خارج از وقت اداری تحت هر عنوان تحت نظر قرار گیرند، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به قاضی کشیک اعلام شود. قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی کرده و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن آن‌ها اقدام قانونی به عمل آورد.

ماده ۴۸ اذعان نموده است که با شروع تحت نظر قرار گرفتن، شخص می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند. وکیل در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از سی دقیقه باشد، می‌تواند ملاحظات کتبی خود را جهت درج در پرونده اعلام کند.

ماده ۴۹ نیز به صراحت بیان داشته است که به محض این که متهم در مرجع انتظامی تحت نظر قرار گرفت، حد اکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، آدرس و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام شود. دادستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، نظارت لازم را جهت رعایت حقوق این افراد اعمال و فهرست کامل آن‌ها را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان و خواهر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آن‌ها اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان درخصوص علت تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است.

ماده ۵۰ نیز اختیارات دیگری به متهم داده است به نحوی که عنوان داشته است که شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از موضوع تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آن‌که بنا بر ضرورت تحقیقات تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را جهت اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.

ماده ۵۱ نیز مشخص نموده که متهم در صورت داشتن کسالت بنابه درخواست شخص تحت نظر یابکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.

ماده ۵۲ نیز وظایف دیگری برعهده ضابطین نهاده است به نحوی که بیان داشته است هرگاه متهم در مرجع انتظامی تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت وضمیمه پرونده کنند و این امر مستلزم داشتن اطلاعات کافی و وافی از قوانین موضوعه می‌باشد.

ماده ۵۳ ضابطان دادگستری را موظف و مکلف نموده است که اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده در صورت مجلس قید و آن را به امضا یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند.

تبصره: در این ماده و نیز در سایر مواد مقرر در این قانون که اخذ امضا و یا اثر انگشت شخص پیش‌بینی شده است، اثر انگشت در صورتی دارای اعتبار است که شخص قادر به امضا نباشد.

وظایف ضابطان دادگستری در تحقیقات - صحنه جرم - تفتیش منازل و اماکن:

در ماده ۵۴ حدود وظایف ضابطین و محدوده اقدامات آنها را آورده به نحوی که ضابطان دادگستری پس از حضور دادستان یا بازپرس در صحنه جرم، تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به آن‌ها تسلیم می‌کنند و دیگر حق مداخله ندارند، مگر آن‌که انجام دستور و مأموریت دیگری از سوی مقام قضایی به آن‌ها ارجاع شود.

ماده ۵۵ تفتیش منازل، اماکن و اشیا و جلب اشخاص در جرائم غیرمشهود را با اجازه موردی مقام قضایی مجاز دانسته است، هرچند وی، اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع کرده باشد.

ماده ۵۶ ضابطان دادگستری را مکلف نموده است که طبق مجوز صادر شده عمل کرده، از بازرسی اشیا و مکان‌های غیرمرتبط خودداری کنند و این امر که در قوانین قبلی ابهام داشته است را به صراحت و شفاف بیان داشته است.

ماده ۵۷ ضابطان دادگستری را موظف نموده است که به هنگام ورود به منازل و اماکن، ضمن ارائه اوراق هویت خود، اصل دستور قضایی را به رؤیت متصرف قانونی رسانده، مراتب را در صورت مجلس قید و به امضای حاضران می‌رسانند. در صورتی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورت مجلس قید و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند.

در ماده ۵۸ نیز آمده است که چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل با ادله، اسباب و آثار جرم دیگری برخورد کنند که تهدید کننده امنیت و آسایش عمومی جامعه باشد، ضمن حفظ ادله مشهود و تنظیم صورت مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند.

ماده ۵۹ حتی اقدامات اداری ضابطین را تحت شعاع خود قرار داده و بیان داشته است که: ضابطان دادگستری مکلفند اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده را شماره‌گذاری کرده، در صورت جلسه‌ای که برای مقام قضایی ارسال می‌کنند، تعداد کل اوراق پرونده را مشخص کنند.

تبصره: رعایت مفاد ماده فوق در خصوص شماره‌گذاری اوراق پرونده توسط مدیر دفتر در دادسرا و دادگاه الزامی است و تخلف از آن، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.

ماده ۶۰ اقدامات ضابطین در تحقیق از متهم و... را آورده و بیان داشته است که استفاده از کلمات موهن، سوالات تلقینی یا اغفال کننده و سوالاتی که خارج از موضوع اتهام است، در بازجویی‌ها ممنوع است و در صورت انجام، قابل استناد قضایی نیست. زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت جلسه قید شود و به امضا یا اثر انگشت متهم برسد.

ماده ۶۱ نیز در تحقیقات مقدماتی بیان داشته است که تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است.

ماده ۶۲ وظایف سازمانی بدون اخذ هرگونه هزینه از بزه دیده را آورده به نحوی که بیان داشته است که تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه‌دیده ممنوع است.

تمهیدات قانونگذار در تخلف ضابطان دادگستری از اجرای این قانون:

ماده ۶۳ نیز تخلف از مقررات مواد ۳-۱۲۱، ۶-۱۲۱، ۷-۱۲۱، ۹-۱۲۱، ۱۰-۱۲۱، ۱۱-۱۲۱، ۱۲-۱۲۱، ۱۳-۱۲۱، ۱۴-۱۲۱، ۱۵-۱۲۱، ۲۲-۱۲۱، ۲۴-۱۲۱، ۲۵-۱۲۱، ۲۶-۱۲۱، ۲۸-۱۲۱، ۳۲-۱۲۱ و ۱۹-۱۲۴ این قانون توسط ضابطان را موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی دانسته است.

جهات قانونی برای شروع به تعقیب:

ماده ۶۴ جهات قانونی برای شروع به تعقیب به شرح زیر آورده است:

الف) شکایت شاکی یا مدعی خصوصی،

ب) اعلام و اخبار ضابطان دادگستری یا اشخاصی که از قول آن ها اطمینان حاصل شود،

ج) جرم مشهود، هرگاه دادستان یا بازپرس ناظر وقوع آن باشند،

د) اظهار و اقرار متهم،

ه) موارد قانونی دیگری که دادستان از وقوع جرم مطلع می‌شود.

قابل توجه است که طبق بند ب این ماده یکی از وظایف ضابطین را رصد اخبار و اقدامات مجرمانه اشخاص و گزارش به مقام قضائی بیان نموده است.

لزوم آگاهسازی ضابطان دادگستری نسبت به جرائم علیه اطفال، زنان، اشخاص بیمار و...

ماده ۶۶ درج شده است که سازمان های غیردولتی ای که اساسنامه آن ها در زمینه حمایت از اطفال و زنان، اشخاص بیمار و دارای ناراحتی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند، در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای دادگاه‌ها اعتراض کنند.

تبصره ۱: در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه دیده صغیر باشد، رضایت ولی یا قیم او اخذ می‌شود. اگر ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده باشند، سازمان های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

تبصره ۲: ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان های غیردولتی مربوط آگاه کنند. تبصره ۲ این ماده ضابطین را مکلف نموده است که بزه دیدگان را حین رسیدگی مطلع نمایند.

لزوم انجام تحقیقات تکمیلی با دستور دادگاه توسط ضابطان دادگستری:

ماده ۸۶- در غیر جرائم موضوع ماده ۳۰۲ این قانون، چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعوای کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند. در این مورد، دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه داده به متهم تفهیم می‌کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می‌شود. تفهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود. هرگاه متهم از این حق استفاده نکند، دادگاه در همان جلسه، رسیدگی و رأی صادر می‌کند و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند، آن ها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می‌دهد. اخذ تأمین متناسب از متهم با دادگاه است. شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند حداکثر ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه هرچند فارغ از امر کیفری باشد، به دعوای ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌کند.

در این ماده به دادگاه اختیار اقدامات تحقیقات تکمیلی توسط ضابطین دادگستری را اعطاء نموده است.

ماده ۳۰۲: به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود:

الف- جرائم موجب مجازات سلب حیات.

ب- جرائم موجب حبس ابد.

پ(اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴)- جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دینه کامل یا بیش از آن.

ت(اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴)- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر.

ث- جرائم سیاسی و مطبوعاتی

لزوم حفظ حقوق بزه دیده و حمایت از وی با دستور قضائی توسط ضابطان دادگستری:

ماده ۹۷ وظیفه دیگری نیز در خصوص حفظ حقوق بزه دیده و حمایت از وی به عهده ضابطین نهاده است به نحوی که بیان داشته است که بازپرس در صورت ضرورت و به منظور حمایت از بزه دیده یا خانواده او در برابر تهدیدات، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورات و ارائه گزارش به بازپرس هستند.

لزوم حفظ ادله توسط ضابطان دادگستری:

ماده ۹۸ نیز عنوان داشته است که بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد، ولی می تواند در غیر جرائم بند الف، ب و ج ماده ۳۰۲ این قانون، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع کند که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آن ها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.

نحوه تحقیق و بازجوئی و ثبت آن به صورت کتبی توسط ضابطان دادگستری:

ماده ۱۱۵ مطالبی را در خصوص نحوه تحقیق و بازجوئی و ثبت آن به صورت کتبی عنوان داشته است به نحوی که اعلام داشته است که :

نوشتن بین سطور و تراشیدن کلمات در اوراق بازجوئی و تحقیقات، ممنوع است. اگر یک یا چند کلمه اضافه شده باشد باید بر روی آن خط نازکی کشیده و این موضوع قید شود و بازپرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می آید، آن را امضا کند. همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شده باشد اشخاص یاد شده باید زیر آن را امضا کنند. هرگاه این ترتیب رعایت نشود، کلمات مزبور فاقد اعتبار است. رعایت مقررات این ماده در تمام مراحل دادرسی از سوی مقامات قضایی و ضابطان دادگستری الزامی است.

انجام اقدامات و تحقیقات در خارج از حوزه قضائی ضابطان دادگستری:

ماده ۱۲۲ در خصوص انجام اقدامات و تحقیقات در خارج از حوزه قضائی بیان داشته است که : هرگاه به تشخیص بازپرس، مباشرت وی در انجام تحقیقی در خارج از حوزه قضایی محل مأموریتش ضروری باشد، موضوع رابه نهمستدل به دادستان اعلام و پس از کسب نظر موافق وی، ضمن هماهنگی با دادستان محل و تحت نظارت او، نسبت به اجرای مأموریت اقدام می کند. در این صورت، ضابطان دادگستری و مقامات رسمی مکلف به اجرای دستورات بازپرس هستند.

نحوه انجام معاینه محل ضابطان دادگستری:

ماده ۱۲۵ در خصوص انجام معاینه محل بیان نموده است که : معاینه محل توسط بازپرس و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری انجام می شود. هنگام معاینه محل، اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند باید حاضر شوند، اما عدم حضور آن ها به علت عدم تمایل، مانع از انجام معاینه نیست.

وظایف ضابطین در بررسی صحنه جرم و اعضاء آن ، شناسائی متوفی، حفظ صحنه جرم:

ماده ۱۳۰ وظایف ضابطین در بررسی صحنه جرم و اعضاء آن اعلام داشته است که: صحنه جرم باید توسط گروه بررسی صحنه جرم که حسب مورد، متشکل از پزشک قانونی، کارشناسان بررسی صحنه جرم و تشخیص هویت، کارآگاهان نیروی انتظامی و در صورت ضرورت سایر کارشناسان است، به سرپرستی بازپرس بررسی شود.

ماده ۱۳۲ نیز وظایف ضابطین دادگستری در یاری رساندن سیستم قضائی در شناسائی هویت متوفی و... بیان داشته است که: هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد به دستور بازپرس، علائم و مشخصات جسد به طور دقیق در صورتمجلس قید و اثر انگشت متوفی در پرونده ثبت و برای تشخیص هویت متوفی به هر نحو که بازپرس مقتضی بداند، اقدام می شود.

تبصره: در صورت ضرورت، بازپرس می تواند دستور انتشار تصویر متوفی را در پایگاه های اطلاع رسانی نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی و یا به هر نحو مناسب دیگر صادر کند.

ماده ۱۳۳ وظایف ضابطان دادگستری را در حفظ صحنه جرم و... بیان داشته است که: ضابطین مکلفند صحنه جرم و محل کشف جسد را با وسایل مناسب محصور کنند و تا حضور بازپرس یا صدور دستور لازم برای معاینه محل از ورود افراد و در صورت ضرورت از خروج آن ها از آن محل جلوگیری کنند.

ماده ۱۳۵ نیز در خصوص حفظ ادله جرم آورده شده به نحوی که قانونگذار بیان داشته است که : هرگاه ادله وقوع جرم، مواردی از قبیل مایعات ریخته شده و غیر قابل انتقال از محل باشد، تا جمع آوری آن ها، بازپرس برای حفظ ادله یاد شده اقدام می کند و اگر لازم بداند محل را قفل یا مهر و موم کرده، حفاظت آن را به ضابط دادگستری می سپارد.

وظایف ضابط دادگستری در اجرای دستور قضائی ورود به منازل و اماکن و تنظیم صور تجلسه و کیفیت انجام آن:

در ماده ۱۴۱ به ضابطین دادگستری در اجرای دستور قضائی ورود به منازل و اماکن و تنظیم صور تجلسه و کیفیت انجام آن بیان داشته است:

دستور مقام قضایی برای ورود به منازل و اماکن تحت هر عنوان باید موردی باشد و به صراحت، موضوعی که تفتیش برای آن صورت می گیرد، زمان، دفعات ورود، اموال، اماکن و نشانی آن ها مشخص شود. ضابطان مکلفند ضمن رعایت دستورات مقام قضایی، کیفیت بازرسی و نتیجه را در صور تجلسه ای تنظیم کرده، آن را به امضا یا اثر انگشت متصرف قانونی برسانند و مراتب را حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت به مقام قضایی اعلام کنند.

وظایف ضابط دادگستری در حفظ محل بازرسی و یاری رساندن به مقام قضائی:

ماده ۱۴۴ از اختیارات بازپرس در حفاظت از محل بازرسی و اجرای دستور قضائی توسط ضابطین و حتی نیروهای نظامی را عنوان نموده و بیان داشته است که در صورت ضرورت، بازپرس می تواند ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی استفاده کند که در این صورت، نیروی نظامی زیر نظر مقام قضایی بوده، در حکم ضابط دادگستری است.

ماده ۱۴۵ بیان داشته است که در صورتی که متصرف منزل و مکان و یا اشیای مورد بازرسی، از باز کردن محل ها و اشیای بسته خودداری کند، بازپرس می تواند دستور بازگشایی آنها را بدهد، اما در صورت امکان باید از اقداماتی که باعث ورود خسارت می گردد، خودداری شود.

و در تبصره این ماده مسئولیت مدنی ضابط را بر مبنای تقصیر مأمور دانسته است (نظریه مبتنی بر تقصیر) و عنوان داشته است که در صورتی که در اجرای ماده فوق، خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا

حکم برائت صادر شود، دولت مسؤؤل جبران خسارت می‌باشد، مگر این‌که تقصیر مأمور محرز شود که در این صورت، خود او مسؤؤل جبران خسارت خواهد بود.

وظایف ضابطان دادگستری در جلب متهم، تحقیق، گزارش به مقام قضائی:

طبق ماده ۱۸۵ ضابطان دادگستری مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله نزد بازپرس بیاورند و در صورت عدم دسترسی به بازپرس یا مقام قضایی جانشین، در اولین فرصت ممکن، متهم را نزد او حاضر کنند. (علت ومدت نگهداری) ضابطان در هر حال، حق نگهداری متهم را بیش از مدت بیست و چهار ساعت ندارند.

براساس ماده ۱۸۹ بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری، مبادرت به تحقیق نماید. در صورتی که بازپرس غایب بوده یا عذر موجه داشته باشد یا به علل قانونی از شروع تحقیقات امتناع ورزد، دادستان انجام تحقیقات را به بازپرس دیگر یا در صورت اقتضا به دادرس دادگاه محول می‌کند.

تبصره: تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون این‌که تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیر قانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود.